

■ بسم الله الرحمن الرحيم ■

## نَسَبِ نَسَبِیْنِ بِاِ خِدا (گزیده‌ای از دل‌نوشته‌های شهدای استان گیلان)

گردآوری: بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان - معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی

تحقیق، تدوین، آماده‌سازی و چاپ: کانون فرهنگی دینی نقابین شهرستان رشت

ناشر: انتشارات صحیفه معرفت

نوبت و سال چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۰

چاپخانه: نیوا/ قم

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۱۸۰۰ تومان

شابک:

رشت - خیابان امام خمینی(ره) - کوچه شهید رضا مهربان - مجتمع ولایت - کانون فرهنگی دینی نقابین

تلفن: ۰۲۱ ۲۳۳۸۰۸۰ / ۰۹۱۹۸۷۰۸۳۵۱ [www.rangeiman.ir](http://www.rangeiman.ir)

جميع حقوق محفوظ است.

با تشکر از همه افرادی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند.



# شب نشینی با خدا

گزیده‌ای از دل نوشته‌های شهدای استان گیلان



## فہرست

ذکریا حاجی پور	قربانعلی آقازادہ
فریدون حسن پور	غلامحسین آقائی نژاد
علی حسین دوست	نادر ابرو فراخ
غلامرضا حسین پور	غلامرضا ادبی مہذب
سید رحمت حسینی	محمود استوار
مصطفیٰ حسینی نژاد	فریبرز اشجعی
خیرالہ حیدری	محمد اصغری خواہ
مرتضیٰ خادمی	حسین بشری
علی خلیلی مقدم	حسین بنیادی
احمد علی خیری	لطیف پسندیدہ
علی داوطلب	ایوب پورخوش سعادت
حسین رجبی	حسین پورمحمدی
حمید رجبی مقدم	محمد رضا تقی پور
علی رضایتی	محبوب توفیق
حسن رضوانخواہ	رسول جعفری
موسیٰ روشنی	حسن جوانمرد
قربانعلی سہرابی پور	احمد جہاندار
حمید شریف	سید امیرحسین چترنور

سید رضا کیاموسوی	مهدی شریفی پور
فرهاد لاهوتی	محمدجواد شعبانی
احمد متقی	سید حبیب ا... شفیعی
سید محمد محمدنژاد	سید صادق شفیعی
عنایت اله محمدی	محمدصادق صادق
محمد مدبری	علی صداقتی
مجید مرآت	حسین صفری
اسماعیل مشفق	حمیدرضا صنعتی
حمید مشکین	سید هادی طاهری
احمدرضا مظلومی	عارف عارف احمدی
علی اکبر ملکی	عیسی عاشوری
سید منصور منصور	حجت علی پور
محمد مهدی مهدی پور	یوسف عموزاده
محمد رضا ناصری نژاد	بہمن فاتحی
علی نجفی	مسعود فاروخی
محمد نصرالہی	فتحعلی فردی
محمود نہی قناد	سید محمود فرمانبر
نقی ورزلی	عیسی فرہادی
یعقوب یوسفی	علی کریمی
	ابراہیم کشاورز

## می نویسم از برای روزگار

من نمانم، خط بماند ماندگار

مقدمه نوشتن برای کتابی که برگرفته از وصیت‌نامه و دست‌نوشته‌های شهیدان است و بزرگانی چون امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی جملات گهربار درباره آن فرموده‌اند کاری بس مشکل است. «این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند مطالعه کنید. پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند. یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید.»<sup>۱</sup> و یا فرمودند: «به وصیت‌نامه جوانان [شهید] نگاه کنید این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و بیدار می‌کند.»<sup>۲</sup> حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای فرمودند: «منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند.» پس به اندک بسنده کرده و عرض می‌نمایم، کتابی که پیش رو دارید برشهایی از دست‌نوشته‌ها و یا وصیت‌نامه‌های تعدادی از شهدای بزرگوار استان گیلان می‌باشد. «شب‌نشینی با خدا» شما را به شب‌نشینی شهدا با خدا برده و مناجات سحر و خلوت‌های ایشان را برای شما آشکار می‌کند. در خاتمه از جناب آقای نصیری، مدیر کل محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان، سرکار خانم رشیدی، رئیس اداره تحقیقات و جمع‌آوری اسناد معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی و کانون فرهنگی دینی ثقلین شهرستان رشت که در گردآوری و تدوین و چاپ این اثر مددکارمان بوده‌اند کمال تشکر را ابراز می‌نمایم.

شهریار علی اکبری نیا

معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی

شهریور ۱۳۹۰

۱. صحیفه نور، جلد ۱۵، صفحه ۳۲

۲. صحیفه نور، جلد ۱۶، صفحه ۲۷











## قربانعلی آقازاده

■ ولادت : ۱۳۴۵/۱۲/۰۷

■ شهادت : حلبچه ۱۳۶۵/۰۶/۰۱

خدایا، آنقدر به من قدرت بده که اگر از زمین و آسمان رگبار دشمن و باران تهمت بیارد در ایمان خالصانه من به تو خللی وارد نشود. خداوندا، صبری ده تا بتوانم زندگی را شیرین، خوب و با صفا به پایان برسانم.

خدایا، تو تطمئن القلوب هستی قلبم را آرامش ده زیرا هم خودمان و هم زندگی مان در خطر است.

خدایا، پناه به تو می برم و فقط از تو یاری می طلبم.

خدایا، تو رحم کن، تو پناهم بده، تو نجاتم بده، تو مرا به آرزویم برسان.

ای حسین X، ای سرورم، من آمده‌ام تا در رکابت علیه کفر و ظلم و جهل بجنگم، حسین جان از تمام چیزهای دنیایی گذشته‌ام و با همه وجودم آمده‌ام. حسین جان، عشق کربلایت مرا دیوانه کرده و نمی‌دانم چطور بیان کنم، حسین جان آمده‌ام آرزوی کربلا در سر دارم آنقدر در این جبهه‌ها می‌مانم، یا اینکه به کربلایت بیایم و یا اینکه در این راه جانم را فدا می‌کنم تا اینکه روز قیامت پیش تو و دیگر ائمه معصومین شرمنده نباشم.

حسین X جان، اگر در روز عاشورا نبودم که تو را یاری دهم ولی امروز فرق ندارد با آن روز و حالا دیگر وظیفه من است که در رکابت بجنگم تا اینکه به پیش شهدا بروم.

خدایا، وجودم اشک شده است، همه وجودم از اشک می‌جوشد و می‌لرزد، می‌سوزد و خاکستر می‌شود، اشک شده‌ام، دیگر به من اجازه بده که در جوارت قربانی شوم و بر خاک ریخته شوم و از وجود اشکم غنچه‌ای بشکفد که نسیم عشق و عرفان و فداکاری از آن سرچشمه بگیرد.

خدایا، تو را شکر می‌کنم که باب شهادت را به روی بندگان خالصت گشوده‌ای تا هنگامی که همه راه‌ها بسته است و هیچ راهی جز ذلت و خفت و نکبت باقی نمانده است، می‌توان دست به این باب شهادت زد و پیروزمند و پرافتخار به وصل خدایی رسید.

خدایا، دیگر نسبت به کسی عصبانی نمی‌شوم، دیگر به نام خود و برای خود قدمی برنخواهم داشت، دیگر هوا و هوسی در دل خود نخواهم پرورد! آرزوها را فراموش خواهم کرد، همه دردها و شکنجه‌ها و زخم زبانه‌ها را خواهم پذیرفت.

خدایا، می‌خواهم درد و غم مرا بسوزاند در حالی که به عرفان من بیفزاید. می‌خواهم در آغوش مرگ فروروم در صورتیکه به حیات ابدی مطمئن باشم. می‌خواهم سنگ زیرین آسیاب باشم، به شرط آنکه کاروان انسان‌ها بسوی تکامل پیش برود.

می‌خواهم قربانی شوم، تا امت اسلامی باقی بماند. در معرکه مرگ و حیات، هنگامه لقاء به سوی تو می‌خواهم تنها باشم.

خدایا، می‌خواهم بدنم قطعه قطعه شود، اما اسلام و قرآن پا برجاست بماند.



## غلامحسین آقائی نژاد

■ ولادت: ۱۳۳۹/۱۲/۰۸

■ شهادت: بوشهر - سنگرد ۱۳۵۹/۱۱/۰۳

خدایا، به سویت آمدم تا مرا مورد قبول خود قرار دهی و مرا از تردید بیرون رسانی و گناهان مرا مورد عفو قرار دهی. پروردگارا، به سویت آمدم که آنچه را می‌خواهی انجام دهی و نتیجه آنرا آرزو دارم و ایمان قلبی من بیشتر شود تا بتوانم با نیروی هرچه بیشتر در راهت خدمت نمایم.



## نادر ابروفراخ

■ ولادت : ۱۳۳۶/۰۶/۲۳

■ شهادت : شلمچه ۱۳۶۵/۱۰/۲۴

خدایه، عدل تو را نمی‌خواهم فقط خواهان رحمت و بخشش توام؛ گناهان کوچک و بزرگ من در پیشگاه تو بی حساب است.

پروردگارا، مگر چه داریم که لیاقت بندگی تو را داشته باشیم جز رو سیاهی، تغافل، فراموشی، سرکشی و بی‌اطاعتی اما چیزی که تو نداری و از ما می‌طلبی و آن عجز و احتیاج ماست؛ بله بندهات بدین صورت به تو رو می‌آورد و بس.

بشر هرگز نخواهد فهمید آن بالا چه تحولاتی صورت می‌گیرد؛ تو هر چه بخواهی می‌کنی و به هر کسی هر مقامی بخواهی می‌دهی؛ یکی را ذلیل می‌سازی و دیگری را به اوج عظمت می‌رسانی.<sup>۱</sup>

خدایا، آنهایی که بر تو توکل دارند و خود را به تو سپرده‌اند امیدشان قوی و بر پایه یقین استوار می‌باشد. تو به نیکی و بدی بصیرت داری زیرا بشر کور است و ظاهر بین و این ذات لایزال و مقتدر توست که به آشکار و پنهان واقف است.

۱. «تَعَزُّ مِنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَبْدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» آل عمران/۲۶



## غلامرضا ادبی مذهب

■ ولادت : ۱۳۳۸/۰۸/۱۱

■ شهادت : شلمچه ۱۳۶۵/۱۱/۱۱

خداوندا، بار خدایا، نمی‌دانم چه کنم، خود را آماده کردم هر روز در انتظار وصال هستم، هر روز با خود می‌گویم که امروز آخرین روز خواهد بود ولی...!

خدایا، بار پروردگارا، چه خوش است مرگ در آن لحظه‌هایی که توشه گناه به همراه نباشد و آن لحظه‌ای که شیطان درصدد گول زدن است، تنها آن لحظه ما را نجات داده؛ ما را به سوی خود برده و بر خوان نعمت خود نشان.

خداوندا، معبودا، شرمندهام واقعاً از روی مادر شهیدی که فرزندان خود را در مسلخ عشق به قربانی راه دوست فدا می‌کند، خدایا، از این همه ایثار و فداکاری، از این همه از خود گذشتگی و تواضع، نمی‌دانم که درد دل خود به که گویم؛ تو واقعی از آتش درون من.



## محمود استوار

■ ولادت : ۱۳۴۲/۰۱/۰۸

■ شهادت : ۱۳۶۱/۱۱/۲۲

خدایا، ببخش آن گناہانی که خودت بهتر از من از آن مطلعی.  
خدایا، وقتی من بسوی تو بازگشتم تو هم آمرزش و مغفرتت را  
به سوی من بازگردان.

خدایا، من را ببخش از اینکه با نفس خود پیمان بستم که راه تو را  
بیابم و قول دادم که راه تو را طی کنم ولی تو من را در این قول‌های  
خودم با وفا نیافتی.





## فریبرز اشجعی

■ ولادت : ۱۳۴۵/۱۱/۰۲

■ شهادت : حاج عمران ۱۳۶۵/۰۶/۱۰

خدایا، به من توفیق ده تا در راه تو قدم بردارم و مرا در یک لحظه به حال خود وامگذار و مرا یاری کن که تا آنجا که توان دارم در راه تو قدم بردارم و به من توفیق بده تا خونم در راه تو ریخته شود. خدایا، آرزو دارم در راهت آن چنان باشم و مجاهدت کنم که لایق بندگان خالص توست، هرچند که چنین لیاقتی را در خود نمی‌بینم. خدایا، آرزو دارم در راهت به دردناک‌ترین زخم‌ها کشته شوم، اگر صبرم دهی.

دوست دارم که به دست شقی‌ترین آدم‌ها کشته شوم اگر لایقم دانی. خدایا می‌دانم که معصیت‌کارم و بار گناهانم بر دوشم سنگینی می‌کند اما امیدوارم؛ امید به رحم بی‌پایان تو که جز این راهی ندارم. خدایا، گرچه علمم اندک است اما تو مرا لایق دانستی که در این سنگر (دانشگاه) خدمت کنم، پس توفیقم ده؛ که اگر لحظه‌ای به حال خود رهایم گذاری گمراه می‌شوم.

مهدی جان! چه بگویم، چه بنالم، می‌دانم هر کم و کاستی که هست از خودم هست، ولی تو را به مظلومیت موسی بن جعفر که در زندان هارون الرشید جان به جان آفرین تسلیم کرد، قسم می‌دهم که اینقدر ما را منتظر شهادت نگذار.

خدا را به شرف حضرت زهرا 3، به حبیبش حسین X و به جمیع اولیاء و اوصیاء و انبیاء و شهداء قسم می‌دهم که امام عزیزمان را که مایه شرف و آبرو و احترام اسلام است در انقلاب مهدی # و حتی کنار مهدی # نگاه‌دار زیرا در واقع او بود که ما را نجات داد. الهی، پروردگارا، دوست دارم چنان باشم که تو گفتی ولی هیهات از این نفس آماره؛ هیهات از این آرزوهای دراز.



محمد اصغریخواه

- ولادت: لنگرود ۱۳۴۰/۳/۲
- شهادت: بانی تبوک ۱۳۶۷/۱/۹

پروردگارا، از تو می‌خواهم که هر وقت لیاقت شهادت را پیدا کردم نصیبم بگردانی چرا که معتقدم شهادت بهترین و نزدیک‌ترین راه رسیدن به توست.

خدایا، سعی کن که مرا عاشقت گردانی؛ وقتی که عاشق دلباخته تو گشتم و بنده خالص تو شدم، شهادت یا پیروزی را نصیب ماکن که در هر دو حالت پیروزیم.



- ولادت : ۱۳۴۳/۰۱/۳۰
- شهادت : قامیش عراق ۱۳۶۷/۰۱/۱۵

بارخدايا، معبودا، بارها و ماه‌ها چون صدای منادی تو را شنیدم  
لبیک گفتم و به سوی جبهه تو آمده‌ام تا این که با این بدن ضعیف،  
دین و اسلام را یاری دهم، هر چند که وظیفه‌ای بیش نبوده، اما در  
کنار وظیفه‌ام مرا به درگاهت نپذیرفتی و علتش را خوب می‌دانم و  
آن این است که لکه‌های تیره همانند سفیدی تخم مرغ، همچون  
ابری به دور زرده دلم حلقه زده و حایلی است بین من و تو؛ ولی به  
حقانیت جهان هستی‌ات سوگند، باز به سوی تو خواهم آمد و آنقدر  
در خانه‌ات را می‌کوبم تا اینکه این حایل ضخیم را بشکنم و به لقاء  
تو برسیم.



## حسین بنیادی

■ ولادت : ۱۳۴۲/۰۱/۰۴

■ شهادت : سردشت ۱۳۶۲/۰۳/۲۷

پروردگارا، بیامرز مرا و به پدر و مادرم رحم کن که در کوچکی مرا تربیت کردند و به نیکی آنها بیفزا و گناهانشان را بیامرز.

۱ . «رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» اسراء/ ۲۴



## لطیف پسندیده

■ ولادت : ۱۳۴۱/۱۲/۱۱

■ شهادت : فاو ۱۳۶۵/۰۳/۲۷

الهی، وای بر من اگر دانشم رهزنم شود و کتابم حجابم.  
الهی، علم موجب ازدیاد حیرتم شده، ای علم محض و نور مطلق  
بر حیرتم بیفزا.

الهی، دل به سوی کعبه داشتن چه سودی دهد، آنکه را دل به  
سوی خداوند کعبه ندارد.

الهی، در شگفتم از کسی که غصه خودش را نمی‌خورد و غصه  
روزی‌اش را می‌خورد!

الهی، اگر دانشمند رهزن شود، از هر اهریمنی بدتر است، که دزد  
با چراغ است.

الهی، لذت ترک لذت را در کامم لذیذتر گردان!  
الهی، راز دل با تو چه بگویم که تو خود راز داری.  
پروردگارا، وقتی فکر می‌کنم رجائی معلم بوده و من نیز معلم؛  
مطهری معلم بوده و من نیز؛ بهشتی معلم بوده و من نیز، مفتح‌ها  
و چمران‌ها و کدیورها و هزاران شهید دیگر معلم بوده‌اند؛ من نیز  
معلم. ولی آنها چه بودند و من چه هستم. آنها چه شدند و من چه  
خواهم شد؟

آنها معلمانی بودند که با تمام احساس، با تمام معنا معلم بودند ولی  
من فقط اسم [معلم را دارم]!!

آنها معلمانی بوده‌اند که هم می‌توانستند تزکیه بدهند و هم تعلیم و  
هم تفسیر و تلاوت آیات. آنها معلمانی بوده‌اند که با یک دست حفظ  
سنگر و دست دیگر معلم ایثار و شرف، آزادی و جهاد و هجرت و...



## ایوب پورخوش سعادت

■ ولادت: ۱۳۴۰/۱۲/۰۴

■ شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۲/۰۷

خدایا، اسلحه اخلاص را که در نظام هستی بیش از هر چیزی دشمنان تو را می‌آزارد، خود، در کفم قرار ده.  
خدایا، مرا سرباز این سنگر(اخلاص) بگردان.  
خدایا، درونم را به تو می‌سپارم، دستم بگیر، مخلصم کن؛ ذکر خودت را بر لبانم جاری ساز؛ توفیق بیش از پیش عنایت فرما.  
خدایا، تو را دوست دارم، دوستم مدار؛ مرا عاشق خود بگردان.  
خدایا، با عنایات تو تصمیم گرفته‌ام اخلاص را تجربه کنم، کمکم کن؛ ضعیفم، ناتوانم؛ خدایا، چرا اینگونه‌ام، چرا تاکنون نرسیده‌ام، چرا تا به حال توفیق این تجربه بزرگ زندگی را نداشته‌ام.  
خدایا، کمکم کن. تا به حال هر چه داشته‌ام از تو بوده است، در نهایت هم با همه سرمایه‌ام به پیش تو خواهم آمد، پس عنایتی کن اگر لیاقتی دارم، وگرنه لیاقتم عنایت کن و اگر مرد این راه نیستم، مرد راهم بگردان.



آه خدایا، چه می‌گویم؟! معذرت می‌خواهم. من که چیزی ندارم تا با تو معامله کنم، هر چه هست از توست، تو داده‌ای، صاحب اختیار، تویی و من امانت‌داری بیش نیستم، هر وقت هر چقدر خواستی بردار، من کیستم که در ملک تو برایت کسب تکلیف کنم، چقدر بی‌شرم و حیایم که با مال مالک با او معامله کنم. چه معامله‌ای؟! من که چیزی ندارم. چطور با تو که همه چیز داری معامله کنم.

خدایا، مرا ببخش و حسرت سفر این مسافر منتظر را به پایان برسان.

خدایا، تا کی باید منتظر بود. می‌خواهم عرش پاک الهی را ببینم؛ می‌خواهم فرشتگان صف کشیده تو که در حال تسبیح و سجده تواند را ببینم؛ می‌خواهم مقام اولیاء و معصومین و شهداء را ببینم.

خدایا، منتظرم تا پرده‌ها برداشته شوند؛ منتظرم تا حجاب برگیری و این عبد گنه‌کار را بنمایانی آنچه که نمایاندنی‌ست؛ اقرار می‌کنم که پر توقع هستم و لیاقت دیدن این صحنه‌های زیبا را ندارم.



## حسین پورمحمدی

- ولادت: رودسر ۱۳۴۵/۴/۵
- شهادت: محور کوران عراق ۱۳۶۷/۱/۱

خدا را سپاس که در این زمان بر ما جهاد قرار داد؛ خدا را سپاس که ما هم در این جهاد شرکت کردیم.  
خدا را شکر که در زمانی زندگی می‌کنم و در جامعه‌ای هستم که رهبری آن را نائب امام زمان # خمینی عظیم الشان به دست دارد، و خدا را شکر که با هم با جان و دل، حرف او را لبیک گفتیم و باز خدا را شکر که رهبرم فرمانده کل قوا خمینی کبیر است.

خدا را شکر که جهاد نصیب بنده هم شد و توانستم در آن شرکت کنم و باز خدا را شکر که توانستم تا اندازه‌ای خود را بسازم و بعد به شهادت برسم.

خدایا، مرا ببخش و بیامرز.

خدایا، من لیاقت شهادت را ندارم ولی خدایا از تو می‌خواهم که در جبهه کشته نشوم بلکه در جبهه به شهادت برسم؛ پس خدایا آخرین لحظه عمر مرا شهادت قرار بده.

خدایا، لیاقت بده من هم سرباز امام زمان # باشم. خدایا امام زمان # را از بنده راضی بگردان.

خدایا، قلبم شکسته است؛ خدایا، دیگر به این زندگی کثیف علاقه ندارم؛ خدایا، می‌خواهم که شهادت را بر من عطا بفرمایی و مرا دیگر به خانه باز نگردانی.



محمد رضا تقی پور

- ولادت: کلاچای ۱۳۳۸/۳/۸
- شهادت: سرپل ذهاب ۱۳۵۹/۹/۱۳

خدایا به من قلبی ده تا که خود را در آن جای گیرم و الهی چشمی ده تا راهم را از میان کوره راهها بیابم و گوشی ده تا صدای الهیت را در میان نغمه‌های شیطانی جدا سازم و خدایا دستی ده تا بدان، سنگلاخ‌های راهم را کنار بگذارم و پایی ده تا در آن راه بپیمایم و آنگاه در پایان به من شهادتی ده تا بدان به سر منزل مقصد برسیم.



## محبوب توفیق

■ ولادت: ۱۳۴۰/۱۰/۲۹

■ شهادت: سومار ۱۳۶۶/۰۵/۲۳

خدایا، این سفر کوتاه مدت را از من قبول بدار و ما را هر چه زودتر به راه راست هدایت نما.

خدایا، من رضایم، تو گواهی ز عمرم در جوانی تو بکاهی  
بنما فرزون به عمر خمینی، که انسان از ستم گردد رهایی



## رسول جعفری

■ ولادت: ۱۳۴۲/۱۰/۰۱

■ شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۰/۲۳

الهی، اگرچه خزه‌ی گناهانم مرداب دلم را به فساد کشانده و اگرچه رحمت تو هوای سرد گناهان دلم را به انجماد کشیده است؛ نسیم دلم به رحمت بزرگواری تو امید دارد.

الهی، اگرچه وجودم در زیر خاک‌های غفلت فرو رفته است، شناسایی قطره‌ای که تو در وجودم نهاده‌ای مرا آرام می‌کند و امیدوارم اگر گناهانم زیاد است، ولی غفلت گناه و استعداد لغزان، تو را در وجودم به خواب نبرده است.

الهی، اگرچه گناه من هر لحظه میان من و تو حصار می‌شود و اگر معصیت میان تو و من حجاب می‌شود، در زیر بار سنگین گناه، دلخوشی من به دست‌های توست.

الهی، کودک دل من هراسناک و بیم زده از آتش تو، به تو پناه می‌برد.



## حسن جوانمرد

- ولادت: ۱۳۱۹
- شهادت: رقابیه ۱۳۶۱/۰۱/۰۸

ای خدای کریم، راضی مباش که من در بستر بمیرم و اگر مشیت تو بر آن است که کشته شوم، مرا توسط بدترین مخلوقات تو یعنی - منافقین - بمیران.

خدایا، عقیده‌ی مرا از دست عقده‌ام مصون بدار. خداوندا، می‌دانم تنها کسانی پیروز می‌شوند که لطف شما شامل حال آنهاست، پس مرا که از دیگران بیشتر شتاب دارم مورد رضایت خود قرار بده. خدایا، می‌خواهم در جهت کمال و رسیدن به تو قدم بر دارم، پس غرورم را بکن.

خدایا، اگر من شهید شدم به همسرم و فرزندانم صبر عنایت کن، زیرا صبر آنها در برابر خون شهید با ارزش تر می‌باشد.

خدایا، مرا شایسته آنچه که می‌خواهم و موجب رضایت است بگردان. خدایا، من تاکنون هیچ خدمتی به این انقلاب نکردم، فردای قیامت چگونه باید از پل صراط بگذرم، پس اگر در این راه جانم را هم از دست دادم باز هم در مقابل نعمت‌هایی که خداوند در این انقلاب به ما داده، ناچیز و بی‌مقدار است. عزیزانم شما نیز حلالم کنید.



## احمد جهاندار

- ولادت: رودسر ۱۳۴۲/۶/۲
- شهادت: سقز ۱۳۷۳/۳/۱۳

خدایا، بارالها، معبودا، معشوقا، مولایم، من ضعیف و ناتوان دوست دارم چشم‌هایم را دشمن در اوج دردش در [شهر] بستان از حلقه در آورد و دست‌هایم را در تنگه غرب کردستان قطع کند و پاهایم را در خونین شهر از بدن جدا سازد و قلبم را در سوسنگرد آماج رگبارهایش کند و سرم را در کوه‌های پیرانشهر از تن جدا نماید تا در کمال فشار و آزار، دشمنان مکتیم ببینند که گرچه چشمها و دستها و پاها و قلب و سینه و سرم را از من گرفته‌اند، اما یک چیز را نتوانسته‌اند که بگیرند و آن ایمان و هدفم است که عشق به الله و معشوقم و عشق به امام و اسلام است.

خدایا، من با امام خمینی میثاق بسته‌ام و به او وفادارم، زیرا که او به اسلام و قرآن وفادار است و اگر چندین بار مرا بکشند و زنده‌ام کنند دست از او نخواهم کشید.





### سید امیرحسین چترنور

■ ولادت: ۱۳۴۷/۰۲/۰۸

■ شهادت: جزیره مجنون ۱۳۶۴/۱۱/۱۳

خدایا، تا پاکمان نکردی، خاکمان نکن.  
بارالها، سرتاسر وجود ما را پر از عشق ایمان بگردان.  
خدایا، خانه دل ما را از جزء آنان کن که خانه دل را برای تابش  
انوار محبت خالی ساختند.  
بارالها، معبودا، در دنیای اخروی ما را از شفاعت پیامبران، علماء،  
سادات و شهداء محروم مگردان.  
سبحانا، اگر گناهانی از روی جهل و نادانی کردیم، مورد عفو قرار بده.  
بارالها، نمی‌خواهم که در بستر بمیرم، یاریم کن تا در راحت در  
دل سنگر بمیرم.  
قادر، دوست دارم تشنه باشم به هنگام شهادت همانند امام  
حسین X سالار شهیدان.  
خدایا، دوست دارم همچون باران بر تنم خمپاره ببارد، پیکرم گردد  
به مانند گل و پر پر بمیرم.  
بارالها، تو را شکر می‌کنم به لباس مقدسی که به تن سرا پا گناه  
من پوشانیدی و مرا عازم جبهه کردی، قسمت می‌دهم به من رحم  
کن و مرگ مرا شهادت من قرار بده.



## ذکریا حاجی پور

■ ولادت: ۱۳۴۳/۰۶/۲۰

■ شهادت: فو ۱۳۶۴/۱۱/۲۱

خدایا، تو را به آن طفل شیرخواره حسین قَسَمَت می‌دهیم، رزمندگان ما حمله‌شان نزدیک است؛ خدایا، قدم آنها را به کربلای حسین برسان.

خدایا، تو را به زین العابدین، زینت سجده کنندگان؛ خدایا، تو را به امام حسین قسم می‌دهیم ما را جزء بندگان واقعی خودت قرار بده.

خدایا، تو را به امام پنجم قسم می‌دهیم این معلولین و مجروحین و مریضان اسلام شفای عاجل عنایت بفرما.

خدایا، تو را به امام هفتم موسی بن جعفر - این زندانی بغداد، این کسی که چهارده سال در زندان بغداد بود - قسم می‌دهیم هر چه زودتر ایران ما را از زندان بغدادی‌ها آزاد بفرما.

خدایا، خدایا، تو را به جگر گوشه‌ی پیامبر، حضرت فاطمه، این پهلو شکسته، قسمت می‌دهیم رزمندگان ما در عملیاتی که دارند شروع می‌کنند پیروزشان بگردان.

خدایا، تو را به حسین بن علی قَسمت می‌دهیم؛ تو را به این ماه محرم که ماه حسین، ماه خون است، تو را به این ماه قَسمت می‌دهیم که این رزمندگان عاشق کربلای حسین (آنها عاشق هستند که زیارت عاشورای حسینی را در صحن ابا عبدالله الحسین بخوانند) خدایا تو آنها را موفق بدار.

خدایا، تو را به اسیران در بند روز عاشورا قَسمت می‌دهیم اسیرانی که در زندان‌های بغداد هستند هر چه زودتر راه آزادیشان را فراهم بفرما.

ای پیامبر، تو پیش خدا آبرومندی، تو نزد او برای ما شفاعت کن.

## فریدون حسن پور

- ولادت: ۱۳۳۲/۰۱/۰۴
- شهادت: زاهدان ۱۳۶۴/۰۸/۲۱

پروردگارا، بنده‌ای از بندگان درمانده و ناتوان، دست به درگاه تو دراز کرده و در حالی که چشم امید به الطافت دوخته با قلبی مملو از اندوه روزگار به انتظار کرم و موهبت بی‌ریای تو لحظه‌ها را سپری می‌نمایم.

ای خدا، خود می‌دانم که تو هستی و در قدرتمندی تو جای هیچگونه شک و شبهه‌ای نیست پس نگذار قانون دنیایی اینگونه با من رفتار کند و دست نیازمندم را از درگاهت کوتاه بر مگردان.



## علی حسین دوست

- ولادت: ۱۳۴۴/۰۶/۰۲
- شهادت: ایلام - صالح آباد ۱۳۷۰/۰۳/۲۳

خدایا، دست نیاز به سوی تو دراز می‌کنم در صورتیکه می‌دانم به وظیفه خود عمل نکردم و بر نفس خود اصرار ورزیدم. خدایا، عذر مرا بپذیر و بر گرفتاری من ترحم فرما و از قیود عالم طبیعت آزادم کن.

ای خدای من، رحم نما بر ضعف جسم و نازکی پوست و ظرافت استخوانم.<sup>۱</sup>

خدایا، پس عذر مرا قبول کن و بر ضررهای نفسانی من رحم فرما و از قیود مادی آزادم ساز و بر بدن ناتوانم ترحم فرمای.

---

۱. «یا ربِّ ارحم ضعف بدنی و رِقَّة جلدی و دِقَّة عظمی» فرازی از دعای کمیل

خدایا، مرا ببخش و از گناهان من درگذر، زیرا لطف و کرم تو نسبت به بندگانت همیشه بوده و خواهد بود.

خدایا، به تحقیق به سوی تو آمدم؛ ای خدا، من، بعد از کوتاهی در عبادت و اسراف بر نفس در حالیکه عذر آورنده و پشیمان و شکسته دل هستم و از تو طلب می‌کنم گذشت از گناه را و آموزش می‌طلبم از تو و انابه می‌کنم به سوی تو و آرزو دارم در رحمت واسعه تو داخل شوم.<sup>۱</sup>

خدایا، بزرگ است مصیبت من و زیاد از حد است گرفتاری من، کوتاه است اعمال من.

خدایا، امر تو ظاهر است و پنهان نیست و حقانیت تو و دین تو، بر ما پوشیده نیست ولی این ماییم که غفلت ما را فرا گرفته و تو را فراموش کرده ایم. خدایا، ما را از این خواب گران بیدار کن. خدایا، با ما به فضل و کرامت رفتار کن، نه به عدلت، زیرا کسی را طاقت تحمل عدل تو نیست.

خدایا، از تو می‌خواهم مرا مورد لطف و عنایت خود قرار دهی و هیچ گاه از یاد تو غفلت نکنم چه غفلت از خدا اصل تمام گناهان است.

۱. «وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَفْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَدِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مَقْرًا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَقْرًا مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي»  
 فرای از دعای کمیل



## غلامرضا حسین پور

■ ولادت: ۱۳۴۳/۰۳/۰۶

■ شهادت: پیرانشهر ۱۳۶۲/۱۰/۲۰

بارالهی، به حرمت خون شهداء در این اواخر عمر گناهان ما را ببخش و با هر قطره‌ی خونمان که بر زمین جاری می‌شود از اشتباهات و گناهان ما بکاه.

خدایا، ما را به سلاح ایمان، تقوی و نیروی صبر مسلح کن و شهادت در راهت را روزی ما بگردان.

بارخدایا، شهادت آرزوی من است؛ دعایم را مستجاب کن.

بارخدایا، گناهان ما را ببخش و ما را به راه مستقیم هدایت فرما. بارالها، پرچم خونین اسلام را به دست بندگان مؤمنان در سراسر جهان به اهتزاز در آور و بر حرمت خون شهیدان آن را پایدار بدار. بارخدایا، شهادت سر آغاز زندگییم است؛ نترسیم ز مرگ که خود زندگیست.

خداوند، تو را به یگانگی‌ات قسم می‌دهم شهادت در راه اسلام را نصیب کن.  
خدایا، از تو می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خودت زیر پرچم اسلام و با اولیاء خودت قرار دهی.  
خدایا، توفیق ده که در راه تو کشته شویم.  
بارخدایا، توانائیم ده تا در این جبهه‌ها تزکیه شوم و به وسیله‌ی این تزکیه به تو نزدیک گردم.  
خدایا، ما تو را می‌خوانیم و فقط به تو امید داریم؛ تو نیز ما را دریاب!  
بارخدایا، مرا ببخش، از گناهان من درگذر، که تو کریم و رحیم هستی.





## سید رحمت حسینی

■ ولادت: ۱۳۴۳/۰۱/۰۸

■ شهادت: حاج عمران ۱۳۶۵/۱۲/۱۷

پروردگارا، ما را ملحق به گذشتگان کن، تا بعدها بیندارند که همه یک روزی این دار فانی را وداع خواهیم گفت.

پروردگارا، ما را با شهدا محشور فرما و این افتخار برای ما بس که در راه رضای تو بمیریم.

پروردگارا، گناهان ما را نادیده گیر و مزه‌ی شیرین مرگ را به ما بچشان.

پروردگارا، ما را موفق به توبه و انابه و گریه از ته دل عنایت فرما.

پروردگارا، می‌خواهم خون گریه کنم ولی قطره‌ای اشک صورتم را تر نمی‌کند.

پروردگارا، این غصه برای من بس که گفتارت را سبک گیرم.  
پروردگارا، این بدبختی‌ها برای من بس که نماز را کوچک شمارم.  
پروردگارا، مرا نمیران تا یک دفعه بتوانم جبهه حق را درک کنم.  
پروردگارا، شرمندهام که یک عمر زندگی را بر لهو و لعب گذراندم.  
پروردگارا، شرمساری تمام اعضای تنم را فرا گرفته.  
پروردگارا، از گذشته‌ی خود توبه می‌کنم و تو، توبه مرا بپذیر.  
پروردگارا، سرگردانم، سرگیجه دارم و هر چه فکر می‌کنم به نتیجه  
نمی‌رسم.

پروردگارا، تو خودت ما را از گرداب جهل و نادانی برهان.  
پروردگارا، شرمندهام! شرمندهام! شرمندهام! شرمندهام!...



## مصطفی حسینی نژاد

- ولادت: ۱۳۴۵/۱۲/۰۳
- شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۰/۲۳

الهی، ای آشنایم، تو خود دانی که بیگانه‌ام، بیگانه ترم کن، خوشا به حال مومنی که غریب است.

الهی، یقینم را زیاد گردان و اضطرابم را به اطمینان مبدل کن و آنی را که در آخر خواهی کنی در اول کن، که شفاعت آخرین از آن ارحم الراحمین است.

الهی، سخن در عفو و رحمت نیست! گیرم که ببخشایی‌ام! من از شرمندگی چه کنم؛ تو خود گواهی که از استغفار شرم دارم.

الهی، استغفار، خواستی غفران توست! با خاطره گناه چه کنیم. الهی، چه باید کرد که گناه فراموش شود! وگرنه با یاد گناه اگر برانی شرمنده و اگر نوازی شرمنده‌ترم.



## خیراله حیدری

■ ولادت: ۱۳۳۷/۱۲/۱۸

■ شهادت: دزفول - کرخه نور ۱۳۶۰/۱۲/۱۱

بارخدا، تو را شکر می‌گویم که این آزادی به من داده شد تا در یک جوّ متحول و آزاد به سوی فلاح و رستگاری قرار گیرم. خدایا، کی می‌توانم این همه وظایفی را که بر گردنم نهاده شده، ادا نمایم.

بارخدا، به من ایمانی عطا کن که در آن شعور و شهادتی باشد که با شهامت عجیب شده باشد.

خدایا، در ره تو حیات اخروی را بر دنیای فانی ترجیح دادم؛ پس یاریم کن تا نیروهای منفی در این راه مانعی ایجاد نکنند.

بارالها، من می‌روم و امید آن را دارم تا تو نیز با دیده‌ی اغماض بر من نگریسته و توبه و استغفارم را پذیرا باشی.

خدایا، با ایثار جان و خون خویش از تو می‌خواهم که حکومت عدل و قسط اسلامی همچنان پا برجا بماند.



## مرتضی خادمی

- ولادت: ۱۳۴۴/۰۶/۰۲
- شهادت: مریوان ۱۳۶۲/۰۷/۲۹

خدایا، پروردگارا، معبودا، الهاء، به جلالت، به عظمتت، به بزرگیت، به کرمت، به عنایتت، به عشقت، به لطفت، سپس به خاتم پیامبران محمد |، به اولین امام برگزیده در خیبر، به سرجدای صحرای کربلا، به گلوی زهر دیده امام حسن مجتبی X، به بدن‌های شکنجه شده موسی بن جعفر، به هشتمین امام شیعیان، به پهلوی شکسته فاطمه، به موی پریشان زینب 3، به دو دست جدا شده ابوالفضل العباس X، به پیغمبرانت ^، به امامانت ^، به چهارده معصوم ^ و آما به مقربان درگاهت، به مومنین و مخلصین بارگاهت، به شهدای در راهت، از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و دیگر شهدای اسلام، به عاشقان کوی حسین X،

به منتظران منجی عالم بشریت #، به رهبر آزاد مردان جهان امروز و ولایت امر درغیبت دوازدهمین امام، رهبر انقلاب خمینی کبیر قسمت می‌دهیم گناهان ما را بریز، آبرویم را مریز، تا مرا نیامرزی از دنیا ببر، شهادت را نصیبم گردان، ما را از شفاعت حسین × محروم مگردان، پاهایم را در پل صراط ملغزان، نامه اعمالم را در روز قیامت به دست راستمان بده، غرور و خود پسندی، عوام فریبی، ظاهر سازی، دورویی را از ما دور بگردان.

خدایا، یک لحظه ما را به خودمان وا مگذار، احب نفس را بر ما چیره مگردان.

خدایا، مؤمنین آئینه یکدیگرند، پروردگارا، ما را نیز مؤمن درگاہت قرار بده تا آئینه یکدیگر باشیم، شرّ شیطان و شیاطین را از ما دور بگردان، رزمندگان اسلام را به پیروزی نهائی برسان.

پروردگارا، چشمان گناهکار ما را به نور آقا امام زمان # منور بگردان.

۱. «إلهی لا تکلنا إلی أنفسنا طرفه عین أبدا» فرازی از دعای ابو حمزه ثمالی



## علی خلیلی مقدم

■ ولادت: ۱۳۴۷/۰۹/۲۴

■ شهادت: ستاد بسیج تنکابن ۱۳۶۷/۰۵/۲۱

خداوندا، آرزو داریم، آرزوی شهادت داریم، آرزوی گسستن از اسارت‌های بندگی‌ها و زنجیرها و ...

خداوندا، یاریمان فرما تا راه راست را شناخته و هدایت بشویم.

خدایا، هدایت‌مان فرما براه راست.<sup>۱</sup>

خداوندا، ما جوانیم و نادان، جوانیم و مغرور، جوانیم و کوهی از غرور جوانی در ما وجود دارد، خداوندا، بارالها، کمک کن تا خود را دریابیم.

خدایا، تو خود به ما دیده‌ای بینا عطا فرما تا با آن حقایق زندگی را آنگونه که هست ببینیم و درک کنیم و به ما قدرتی عطا فرما که تشخیص حق را از باطل دریابیم.

۱. «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» حمد/۶

خدایا، حال که جوانیم به ما قدرت تصمیم‌گیری صحیح را عطا فرما و ما را در جوانی که شاید عمر ما انشاء... در آن ختم بشود پرهیزگار گردان، ما پرهیزگاری را در جوانی آرزومندیم.

خداوندا، همانگونه که قلم را به دستم دادی آنرا در دستهای ناتوانم بگردان تا آنچه که برای هوشیاری و بیداری خودم لازم است در این دفترچه بنویسم تا با نگاه کردن به مطالب آن به یاد تو افتاده و خود را از غفلت و گناه برهانم. انشاءالله خداوندا، مدد فرما.

خدایا، آیا گذشته‌ام به امید آینده و آینده‌ام به حسرت گذشته خواهد گذشت؛ هرگز چنین مباد...





## احمدعلی خیری

■ ولادت: ۱۳۳۵/۰۱/۱۲

■ شهادت: مریوان ۱۳۷۵/۰۹/۰۸

خدایا، می‌دانم که من بنده گناهکار توأم؛ می‌دانیم که ما سر تا پا غرق در گناهیم، تو را به خاندان اهل بیت محمد | قسمت می‌دهیم که از کفاره گناهان ما در روز قیامت بگذر. خدایا، خداوندا، ما می‌دانیم الرحمن العالمینی، لطف و نظر و بخشش و عدالت تو بر بندگان تو سایه می‌افکند، ما می‌دانیم که امامان درگاهت معصومند، نظر لطفی در حق این بندگان گناهکارت بیفکن و آنها را مورد آمرزش قرار ده.

۱ . ظاهراً منظور شهید این بوده که: خداوندا ما می‌دانیم که تو نسبت به تمام عالم رحمت داری.

خدایا، باری تعالی، در سرازیری قبر به فریاد ما برس، تو را به محمد | و علی ✕ قسمت می‌دهیم ما را دچار فشار قبر قرارنده. خدایا، کینه و حسادت و بخل و خودپسندی را از دل‌های مسلمین بیرون و به جای آن محبت و عظمت و دوستی به جای آن قرار بده. خدایا، دین محمد تو دین شهادت، دین ایثار و از جان گذشتگی، دین رهایی از ظلم و ستم و دین یکتا پرستی و دوری از شرک و کفر هست؛ این دین را در قلب تمام مسلمین بالاخص شیعیان جهان پا بر جای قرار بده.



## علی داوطلب

■ ولادت: ۱۳۴۸/۰۴/۱۹

■ شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۲/۰۸

ای علی جان، تو را به حق فرق شکافته خودت، تو را به مظلومیت فرزندت حسین، تو را به اسیری دخترت زینب، این رزمندگان که امشب برای پیروزی دیشان، برای پیروزی انقلابشان، دعا می‌خوانند، گریه می‌کنند؛ دعایشان را که همانا پیروزی بر خصم است برآورده بگردان.



## حسین رجبی

- ولادت: ۱۳۴۳/۰۳/۰۲
- شهادت: دهلران ۱۳۶۲/۱۲/۰۳

خدایا، بارالها، مولایم و سیدم، معبودا، خدایا، مرا به مرگ طبیعی از این دنیا مبر.

خدایا، پس از اینکه گناهان مرا بخشودی مرگم را در راه تو قرار بده. خدایا، بارالها، دین مرا اصلاح فرما؛ زیرا که دین نگهداری کار من است و اصلاح کن آخرت را برای من، زیرا آنجا خانه‌ای ابدیست برای من.

خدایا، تو را به آبروی رسالت قَسَمَت می‌دهم، تو را به موسی بن جعفر X قَسَمَت می‌دهم، خدایا من را یک لحظه به حال خودم وا مگذار.

خداوند، تو به من زبان دادی تا بتوانم خوب حرف بزنم تا اینکه به زندگی خود که بیشتر به زبان تکیه می‌کند ادامه دهم؛ ولی خداوند، این زبانم مثل آتش، بعضی اوقات زبانه می‌کشد و امکان دارد مرا در برابر تو (با اینکه تو همیشه به اعمالم ناظر هستی) مرا تباه کند. از تو می‌خواهم که مرا از این بلاهای بزرگ که همان غیبت و تهمت زدن و غرور و تکبر و ریا و خودپسندی و جاه‌طلبی و دیگر چیزها که موجب گناه می‌شود و ایمانم را ضعیف می‌کند؛ از تو می‌خواهم که مرا از این بلاها نجات دهی. آمین یارب العالمین.

**پروردگارا،** همانطوری که کاخهای فرعونیان را و نمرودیان را - که در دل صخره، قصرهای محکم ساخته بودند - نابود کردی؛ سربازان صدام را در پشت میادین وسیع مین و استحکامات بسیار محکم سنگر گرفته‌اند نابود فرما.

**ای خدا، ای خدا، ای خدا،** تو را به مقربین درگاهت قسم می‌دهم، تو را به علی  $\times$  که فرقی آن‌طور پاره شده بود قسم می‌دهم؛ ای خدا، ای خدای مهربان، ای خدایی که در حالت خشم بر کافران باز در همان خشم مهربان‌ترین مهربانانی؛ یا الله، تو را به سید و سالار شهیدان ایران دکتر بهشتی، قسم می‌دهم که ما را جزو بندگان شایسته خود قرار بده و همواره ما را جزء سربازان واقعی امام زمان  $\#$  قرار دهی تا اینکه همیشه به یاد تو و به صراط مستقیم تو حرکت کنیم.

**ای خدای مهربان،** تو را به علی بن ابیطالب قسم می‌دهم، تو را به مقربین درگاهت، تو را به شهدای پاکباز کربلا و تو را به شهدای جنگ تحمیلی قسم می‌دهم؛ ای خداوند قادر متعال، تو را به خون ناحق ریخته حسین مظلوم و تو را به خون و بدن پاره پاره بهشتی قسم می‌دهم که مرا یک لحظه به حال خودم وامگذار چون در همان یک لحظه مورد لغزش قرار می‌گیرم.

**خدایا، پروردگارا،** به من حضور قلب و خضوع و خاشع بودن عنایت فرما تا بتوانم به عبادت و پرستش تو بپردازم.

**ای خدای مهربان،** همه چیزم تو هستی، پس از تو کمک می‌خواهم مرا از در خانه‌ات رد مکن.

ای خدا، شاهدهی که من نمی‌خواهم خودنمایی کنم، تو شاهدهی که من نمی‌خواهم خودم را پیش مردم خوب جلوه دهم. ای خدا، این شیطان گاهی اوقات کاری می‌کند که این فکر یک دفعه به مغزم رجوع می‌کند.

ای خدا، ای معبودم، از تو کمک می‌خواهم و همواره از تو می‌خواهم که مرا از این بلاهای دنیوی که آخرتم را هم تباه می‌کند نجات دهی. از خدا می‌خواهم که به من خلوص نیت و خوب صحبت کردن با خودش را به من عنایت فرماید.

خداوند، تو را به آبروی محمد و آتش قسمت می‌دهم به من حضور قلب و خاضع و خاشع بودن در برابرت را عنایت فرما.

یا الله، یا ربّ، یا سید، ای خدای من، ای پروردگار من، ای مولای من، تو را به حق امام حسین و لب تشنه او و تو را به گلوی نازکتر از برگ گل علی اصغر قسم می‌دهم مرا در همه حال به یاد خودت بینداز و یادت را به من الهام کن و مرا از گناه کردن باز دار. ای خدای عزیز، تو را به شهیدان اسلام قسم می‌دهم شهادت در راهت را نصیب من گردان.

بارخدا، تو را به حق آنانی که دوست داری؛ تو را به حق آنانی که آنها را می‌پذیری قسم می‌دهم مرا نیز بپذیر.

ای خدا، از تو می‌خواهم مرا در عشق با خود رفیق سازی و با تو آنچنان دوستی داشته باشم که حتی حرکتی از برای تو باشد. خدایا، این وجودم و این اعضا و جوارحم را و تمام بدنم را به تو می‌سپارم و از تو می‌خواهم مرا از شر شیطان و شر هر کار بدی و شر نفس آماره امان بخشی.

خدایا، تو را به حق علی X، تو را به خون حسین شهید، قسم می‌دهم. ای خدا، ای خدا، و تو را به رجایی و باهنر قسم می‌دهم؛ ای خدا، تو را به امام زمان # قسم می‌دهم که مرا آن طوری قرار ده که خودت راضی هستی.

ای خدا، مرا از بندگان خالص خودت قرار ده و به من توفیق خودسازی و عبادت و حرکت در راهت عنایت فرما.

خدایا، به آن نامت، به آن کرامت و به آن جلالت و به آن بزرگیت و به آن قدرت و همتت قسم می‌دهم قلمم را خالی از هرگونه شرک و ریا فرما.

خدایا، به من آنچنان قدرت ایمانی عنایت فرما که بزرگیت و قدرتت و نام مهربانت و خشمت را دریابم و به آن ترتیب اثر دهم. ای خدا، مرا به درجه شهادت برسان. خدا، عاجزانه می‌خواهم مرا ببخشی. الهی، ای معبود، مرا بیامرزد.

ای خدا، تو را به عزت و جلالت سوگند؛ ای خدا، خدایا، مولایم، آقا، تو را به حق آنانی که عزیزاند و در نظرت اول از همه چیز، به من توفیق بده تا خودم را بشناسم و تو را بشناسم و چون تو خود می‌گویی همه از من هستم و به سوی من خواهید آمد. خدایا، زبان ظاهری مرا با زبان قلبم یکی گردان.

خدایا، از تو مدد و کمک می‌طلبم در نماز و دعا تو به من حضور قلب عنایت کن تا نمازم و دعایم برای تو باشد و تو را بپرستم و از تو یاری بجویم.

ای خدا، ای آقا، ای عزیز، آنچه موجب خشنودی توست و آنچه بر خلاف قوانین تو نیست، مرا در آن راه قرار بده و توفیق بده تا تو را دریابم. خدایا، آبرویم را در آن دنیای آخرت، در نزد شهیدانی که با هم بودیم و آنها رفتند، مبر و مرا رسوا و خوار مگردان.

ای ستار العیوب، عیب‌هایم را بپوشان و مرا در زیر کف رحمت خود از هر شری و نکستی و فاجعه‌ای و هر دامی که شیطان برایم ایجاد می‌کند حفظ کن.

خدا، از تو می‌خواهم توبه مرا بپذیری که اگر ردم کنی جایی ندارم؛ اگر راهم ندهی راهی ندارم.

مولا، همواره تو را می‌پرستم و از تو یاری می‌جویم و مرا به راه راست هدایت بفرما.<sup>۱</sup>

خدایا، مرگم را شهادت در راهت قرار بده. ای خدایم، معبودم، گاهی احساس می‌کنم که مرگم نزدیک است؛ ای خدا، تو مرگم را برسان که دیگر احساس می‌کنم این دنیا جای من نیست. خدایا، در لحظه‌های آخر عمر توبه می‌کنم از هر گناهی که کردم؛ خدایا تو به فضل و رحمت خودت توبه مرا بپذیر و مرا غریق رحمت خود بگردان.

خدایا، مرگم را برسان، مرگم را برسان، مرگم را برسان.

۱. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» حمد/۵۶

بارالها، من به تو پناه می‌برم از اینکه در دیدگاه ظاهرم آراسته ولی در خلوت با تو باطنم زشت باشد.

خداوندا، قلب زنگ زده ما را به نور ایمانت و به نور قرآن و نماز و دعا منور و زنده بگردان.

خدایا، ما را از بندگان خاص خویش قرار بده و همواره ما را از رحمت خود بی‌نیاز مگردان.

خدایا، بارالها، تو را به بزرگی‌ات و به عظمتت قسم می‌دهم که تکبر و غرور و ریا و عجب را از قلب ما برکنی و به جای آن ایمان و یقین و اخلاص قرار دهی.

خدایا، مرگم را شهادت در راحت قرار بده.

خدایا، پروردگارا، ایزدا، کریم، تو را به اشک چشم شب زنده داران و به سوز همسران شهدا و به اشک یتیمان قسم می‌دهم که ما را از قید و بند نفس آماره نجات بخشی.

خدایا، تو خودت را در دل ما جای ده تا شیطان پلید در ما نفوذ نکند و همواره ما را یک مسلمان متقی در راحت استوار دار.

خدایا، تو را به عزت و جلالت سوگند می‌دهیم که قلب ما را با خودت و با قرآن پیوند ببخشی. آمین یا رب العالمین

خدایا، از اینکه زبان می‌گوید و عمل در آن نیست به تو پناه می‌برم. از این شر بزرگ، تو خودت عنایتی به این زبان و عمل کردن ما بفرما.

خدایا، مرا از بلای غرور و خودخواهی نجات ده تا حقایق وجود را ببینم و جمال زیبای تو را مشاهده کنم.

خدایا، من کوچکم، ضعیفم، ناچیزم، پرکاهی در مقابل طوفان‌ها هستم؛ به من دیده‌ای عبرت بین ده تا ناچیزی خود را ببینم و عظمت و جلال تو را به درستی بفهمم.

خدایا، دردمندم، روحم از شدت درد می‌سوزد، قلبم می‌خروشد، احساسم شعله می‌کشد و بند بند وجودم از شدت درد صیحه می‌زند. دیگر آرزو ندارم، احساس می‌کنم که این دنیا دیگر جای من نیست.

مولای من، امشب از اینجا بلند نمی‌شویم چون که از تو می‌خواهیم همین امشب پیروزی ما را بر کفر جهانی امضاء کنی.

مولای ما، دیگر چیزی نمانده که صدای یتیمان در همه خانه‌ها بلند شود؛ دیگر چیزی نمانده که در همه خانه‌ها خواهر و مادرهایمان خانواده شهید بشوند.





## علی رضایتی

- ولادت: ۱۳۴۴/۰۵/۱۰
- شهادت: شلمچه ۱۳۶۷/۰۱/۲۸

بارالها، رزمندگان عزیزمان را توفیق موفقیت مرحمت فرما. خدایا، قلب آقا امام زمان # از ما راضی و فرجش را تعجیل فرما. ای رب شهیدان، شهیدایمان را با شهیدان کربلا خصوصاً با سالار شهیدان حسین بن علی × محشور و ما را از ادامه دهندگان راهشان قرارده.

بارپروردگارا، شر شیطان و توطئه ضد انقلاب را بر خودشان برگردان.

خداوندا، سپاهیان روح الله را بر کافران پیروز بگردان. پروردگارا، روزی که انسانها را از قبر بیرون می‌آوری در آن روز مرا رسوا و هلاک و شرمنده مگردان.

خدایا، وقتی امام ندا داد، ما هم به عنوان یک مسلمان ندایش را لبیک گفتیم، پس گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش نگهدار. خدایا، دوست داشتم آرزو می‌کردم به من توفیق بدهی که چند روزی به سرزمین خونین شلمچه که دوستان ما در این سرزمین پر کشیدند رفته باشم که آرزوهایم را برآورده کردی، سرزمینی که بهترین گلها با ندای یا زهرا 3 به سویت آمدند و غرق خون شدند و مادران زیاد داغدار شدند.

خدایا، اگر سعادت شهادت را به من توفیق دادی مرا با شهدای کربلا محشور کن و مرا پیش ابوالفضل (ع) بفرست.

پروردگارا، مولای من، تو مرا همچون شبنم صبحگاهی پاک خواسته بودی و من روسیاه از نوک پا تا فرق سر به گناه آلوده گشته‌ام پس مرا ببخش.

ای خدای من، تو از من خواسته بودی به عهدم وفا کنم و به سویت بشتابم و من پیمان شکن نادانی هستم، پس مرا ببخش.



## موسی روشنی

- ولادت: ۱۳۴۶/۰۹/۰۳
- شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۲۸

ای حسین X، به پهلوی بشکسته مادرت زهرا 3 قسمت می‌دهم نزد خداوند مرا شفاعت کن.

ای حسین X، به طفل معصومت رقیه، به خواهر داغدار و اسیرت زینب، به گلوی پاره پاره علی اصغر، به خون پاک نوجوان علی اکبر، به دستان جدا شده عباس علمدارت، به جگر سوخته خواهرت ام کلثوم، به فرق شکافته مولای متقیان، به جگر پاره پاره شده امام حسن X و به خون مطهر هفتاد و دو تن شهید کربلایت قسمت می‌دهم از خدایت بخواه از گناهانم درگذرد؛ تا مرا نیامرزد از دنیا نبرد؛ مرا در صف شهدای کربلایت قرار دهد؛ به بازمانده‌گان من صبری جزیل عنایت فرماید.



## قربانعلی سهرابی پور

- ولادت: ۱۳۴۹/۱۱/۱۵
- شهادت: جزیره مجنون ۱۳۶۷/۰۴/۰۴

پروردگارا، به حق اولیائت ما را در راه حمایت و وفاداری از اسلام پایدار و استوار بفرما.

پروردگارا، ما را از همه آلودگی‌ها و توطئه‌ها و فریبکاری‌ها و دسیسه‌ها نجات ده.

خداوند، انقلاب اسلامی ما را پناهگاه و حامی مستضعفان جهان قرار بده.



حمید شریف بهمدانی

■ ولادت: ۱۳۴۲/۰۵/۰۶

■ شهادت: ماهوت عراق ۱۳۶۶/۱۱/۲۸

خدایا، دست رد به سینه ما نزن، خدایا، همه ما حاجت داریم، درد دل داریم.

خدایا، تو را به جان اهل بیت همه دعاهایمان را به اجابت برسان، به حق زهرای مرضیه 3 دردهای ظاهری و باطنی ما را دوا بفرما.



## محمدجواد شعبانی

- ولادت: ۱۳۴۰/۰۴/۲۰
- شهادت: جزیره مجنون ۱۳۶۵/۰۲/۰۷

خداوند نگهدار همه مخلصین باشد، به همه مسلمین علی الخصوص به امام بزرگوارم عمر و عزت عنایت نماید و خداوند مرا بیامرزد و در زمره یاران راستین محمد | و آل او و شهدای بدر و احد و اصحاب امیرالمومنین X قرار بدهد.

خدایا، خارج کن مرا از تاریکی‌های پندارهای غلط، و گرامی بدار مرا با نور فهم.<sup>۱</sup>

خدایا، باز کن بر ما درهای رحمت و بگشا بر ما انبارهای علمت و بار رحمت<sup>۲</sup>

ای رحم کننده‌ترین رحم کننده‌ها و ای مهربان‌ترین مهربان‌ها.

۱. «اللهم أخرجنا من ظلمات الوهم و أكرمنا بنور الفهم» فرازی از دعای هنگام مطالعه

۲. «اللهم افتح علينا أبواب رحمتك و انشر علينا خزائن علومك» فرازی از دعای هنگام مطالعه



## محمدصادق صادقی

- ولادت: ۱۳۴۴/۰۶/۰۳
- شهادت: فاو ۱۳۶۴/۱۲/۲۶

خدایا، به مقربان درگهت، به عاشقان رهت، به عارفان شب نشینت، به امامان مقربت و به سر جدا شده حسین و به قلب سوخته خالصان، قسمت می‌دهیم؛ ما را به راه راست هدایت کن و از عارفان درگاهت گردان.



## علی صدیقی

- ولادت: ۱۳۴۱/۰۱/۰۲
- شهادت: ماووت عراق ۱۳۶۶/۱۱/۲۵

بارخدا، تو آگاهی که تلاش و پیکار ما، نه از آن جهت است که به پایگاه قدرتی برسیم و یا چیزی از کالای بی‌ارج دنیا را به چنگ آوریم بلکه در آن جهت که نشانه و پرچم‌های دین تو را برافرازیم و در شهرهای تو شایستگی را هدیه آوریم تا بندگان ستمدیده تو امان یابند و ستمگران به کیفر خویش برسند.

ای خدا، ای خالق من، مرا دریاب و در مقابل لغزشگاه‌هایی که در مقام هر کس که به قدرت رسیده وجود دارد، مرا حفظ کن.

بارخدا، مرا از بلای غرور و خودخواهی نجات بده.  
خدا، سپاسم را بپذیر.

خدا، بهترین لذت‌های اخروی و دنیایی را به من عطا کن و آن لذت بهترینی که می‌دهی عبادت خود قرار ده.



خدایا، ما را به راه راست هدایت فرما، راه کسانی که مورد انعامت قرار گرفته‌اند<sup>۱</sup> و چون می‌دانم راه راست راه خداست.

خدایا، به من آئی عطا کن که در به کار گرفتن آن از مقربین باشم.

خدایا، بر علم و عمل من بیفزای و مرا به نیکوکاران ملحق ساز.

خدایا، می‌دانم آنچه که تو می‌خواهی می‌کنی، مرا بر آن راهی بگذار که سعادت توست.

خدایا، تو جانم دادی و جانم را خواهی گرفت، مرا در آن صراطی گذار که هیچگاه در لحظه جان دادن غفلت نخورم.

خدایا، ما را به آنچه دوست داری و مورد رضای توست موفق بدار.

خدایا، اگر لحظه‌ای مرا به خودم واگذاری همیشه غفلت خواهم خورد، مرا به خودم وامگذار.

خدایا، پدر و مادرم را ببخش و بیامرز که آنها نیز بی تو رو سیاه هستند.

ای خدا، مرا از بلای غرور و خود خواهی نجات بده.

۱. «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» حمد/۷۶



## حسین صفری

- ولادت: ۱۳۴۶/۰۳/۰۴
- شهادت: شلمچه ۱۳۶۷/۰۴/۳۱

خدایا، مرا ببخش از اینکه غیبت کردم و از دیگران بدی گفتم و خودم را نیک جلوه دادم؛ از اینکه به والدینم احترام نگذاشتم؛ از اینکه برای برتری خودم، دیگران را خوار و سبک کردم؛ از اینکه تعهدهایی را که با خدای خویش بستم شکستم؛ از اینکه همواره از دیگران عیبجویی و نکوهش کردم و عیوب خود را فراموش نمودم؛ از اینکه سخنانی را گفتم و بدان عمل نکردم؛ از اینکه برای مقابله با دشمنان به جای بینشی مکتبی و عدالت خواهانه براساس خودخواهی قضاوت نمودم؛ از اینکه دیگران را مسخره و تحقیر کردم تا اشتباهات خودم پوشانده شود؛ از اینکه آگاهی‌ها و علوم را در اختیار دیگران قرار ندادم؛ از اینکه مانند جاسوسان خیرچین در اسرار خصوصی مردم دخالت و تجسس کردم؛ از اینکه قول دادم اما خلاف عمل کردم؛

از اینکه برای پیاده کردن قوانین نماز در جامعه سستی کردم؛ از اینکه گذشت شب و روز و حرکت هستی سبب رشد و پندگیری من نشد؛ از اینکه شب خوابیدم بدون اینکه برای رفع مشکلات مسلمین کوششی انجام دهم؛ از اینکه کارهایم را برای ریاست‌طلبی و شهرت‌طلبی انجام دادم؛ از اینکه در کارها تنها خود را محور قرار دادم نه خدا را؛ از اینکه سنجیده، حساب شده و با فکر سخن نگفتم؛ از اینکه کینه‌های بی‌مورد و نفاق افکن بر دیگران بستم؛ از اینکه حاضر نشدم به خاطر آسایش دیگران خود را به سختی اندازم؛ از اینکه حلال و حرام خدا را دگرگون جلوه دادم؛ از اینکه چشمانم را از نگاه‌های فسادانگیز پوشاندم؛ از اینکه با کسانی پیوند دوستی بستم که هنوز از روابط طاغوت هجرت نکرده‌اند؛ از اینکه از انجام عمل حقی خودداری نمودم به خاطر اینکه به [صلاح] خود من و پدر و مادرم و یا دوستانم بود؛ خدایا مرا ببخش.



### حمیدرضا صنعتی

■ ولادت: ۱۳۴۳/۰۱/۰۱

■ شهادت: حاج عمران ۱۳۶۵/۰۲/۲۷

خدایا، خودت وعده دادی که بندگان گناهکار بیایند و طلب آمرزش کنند، خدایا، من هم آمده‌ام مرا ببامرز.  
خدایا، دردمندم، گرفتارم، گرفتار هوای نفس، دردمندم، خدایا، مرا از این بندها نجات بده.  
خدایا، لحظه شهادت مرا، به ذکر نام تو قرار بده.  
بارالها، مرا بر شفاعت ائمه معصومین علیهم السلام برسان.  
خدایا، رزق مرا رضایت خود قرار بده.  
خداوندا، برای تو آمدم، فقط رضایت تو را می‌طلبم.  
بارالها، از یک طرف به رحمت و اوسعاهات امیدوارم و از طرف دیگر از عذابت می‌ترسم، خداوندا، با رحمتت مرا ببخش.



## سید هادی طاهری

- ولادت: ۱۳۴۵/۰۴/۰۶
- شهادت: فاو ۱۳۶۵/۰۲/۱۲

خدایا، وصیت را به همه واجب کردی که شاید خلق غفلت برای یک لحظه هم که شده نیز به یاد مرگ افتد و تو را یاد آورند؛ خدایا، امروز من نیز جرأت کردم که به یاد مرگ افتم؛ خدایا اینک در کربلایت در فضای عطرآگین جبهه‌ات به یاد مرگ افتاده‌ام.



## عارف عارف احمدی

■ ولادت: ۱۳۴۶/۰۳/۰۱

■ شهادت: ۱۳۶۷/۰۱/۲۸

بارالها، فکرم را نافذ کردی، دستم را قادر کردی، پایم را پویا کردی، چشمم را بینا کردی، گوشم را شنوا کردی و زبانم را گویا، اما من عاصی فکرم را فاسد کردم، دستم را غاصب کردم، پایم را جاهل کردم، چشمم را ساتر کردم، گوشم را سارق کردم و زبانم را ظالم... خدایا، از تو و از بدنم خجالت می کشم زیرا بدنم همواره مرا سرزنش می کند اکنون در این فکرم در قیامت چگونه جوابگوی اعضایم باشم در حالی که هر یک به کردار و گناهام شهادت می دهند؛ اما رحمت و کرمت را منکر نمی شوم؛ زیرا منبعی بی حد و حصر است.

خدایا، از آن بی‌نهایت رحمتت مرا نیز مورد عفو و لطف خود قرار ده.  
خدایا، نادمم؛ بارالها مرا ببخش.  
معبودا، از معصومان درگاهت طلب شفاعت کردم و از تو طلب عفو می‌کنم. می‌دانم بنده‌ای ناامید از درگاهت خارج نگشته، مرا نیز ناامید مگردان؛ گرچه می‌دانم آنقدر عاصی و گناه‌کارم که سزایم دوزخ سوزان توست اما کرامتت بیش از وصف است؛ می‌دانم که دل شکسته را به بهایی به عظمت جنت خریداری، اما دل محزون من بهایی بالاتر از قبول توبه ندارد و بدان نیز قانعم، پس توبه‌ام را بپذیر و مرا در جرگه شاهدان شهیدت قرار ده.



## عیسی عاشوری

■ ولادت: ۱۳۴۳/۰۱/۰۱

■ شهادت: اشنویه ۱۳۶۴/۰۵/۰۷

بار خدایا، به مقربین درگاهت، ما را چنان کن که خود را ملکِ تو  
و از آن تو بشناسیم.

پروردگارا، به حق محمد و اهل بیتش، دل‌های ما را به نور علم و  
ایمان روشن بفرما.

محبوبه، عاجزانه درخواست می‌کنیم گناهان زیاد ما را ببخش؛  
عمل‌های کم ما را به کرم‌ت بپذیر.

بارالها، پایان کار ما را به سعادت مقرون فرما.

خدایا، این رخوت، سستی، تنبلی و کسالت که در روح ما مسلمین  
حکم فرماست از روح ما بزدای.

ما را قرآن‌شناس و اسلام‌شناس قرار بده.



خدایا، به ما غیرت بده، به ما وحدت و اتفاق ارزانی بدار؛ به ما روح  
همدردی و همبستگی کرامت ده.

پروردگارا، عمر امام امت و این نعمت عظیم که به ما عطا کرده‌ای  
مستدام بدار.

معبودا، این گروهک‌ها و مخالفین و دشمنان اسلام در هر کجا و  
در هر توطئه هستند بزودی نابودشان بفرما.

خدایا، شر کفار، شر اسرائیل، شر صهیونیسم را از سر مسلمین  
کوتاه فرما؛ به ما توفیق مبارزه با این دشمن که کیان اسلام و قرآن  
را تهدید می‌کند عنایت کن.

پروردگارا، سلام‌های خالصانه ما را به وجود اقدس ارواحنا له الفداه  
برسان. قلب مبارک او را پیوسته از ما راضی و خشنود بگردان.

محبوباً، آن توفیق به ما بده که روح ما آن چنان قوتی داشته باشد  
که نه مال، نه شهرت، نه مقام و نه هیچ هوای نفسی بر ما پیروز  
نشود.

قلب مقدس امام زمان # را از همه راضی بفرما.

قلب ما را از محبت خودت و محبت اولیائت مالمال بگردان.



## حجت علی پور

■ ولادت: ۱۳۴۰/۱۰/۰۷

■ شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹

خدایا، خداوندا، امت اسلام را در برابر دسیسه‌های دشمنان قرآن  
بیدار بگردان.



## یوسف عموزاده

■ ولادت: ۱۳۴۷/۰۶/۱۳

■ شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۱/۰۳

خداوندا، به ما قدرت غلبه بر دو سپاه عظیم دشمن - یکی صدام و حامیان آمریکایی آن، یکی شیطان‌ها که همواره دشمن اسلام و اسلامیان بودند - را بده که هر کدام، یکی نفس را می‌فریبند و یکی انسان را نابود می‌کنند و در کل خدایا، در دو جهاد عظیم به نام‌های جهاد اکبر و جهاد اصغر، ما و ملت قهرمان ما را پیروز بفرما.

خدایا، در اینجا شور و عشق دیگریست و در خود، شب‌های چون شب عاشورا را دارد و روزهایی چون صحنه کربلا، گاهی اینها چون امام سجاد عزیزان اسلامند و مبلغ اسلام در زندان‌های صدام ملعون و گاهی چون امام کاظم X در بند دشمن گرفتار؛ بعضی چون حسین X خانواده می‌دهند و خود نیز ره به دیار ابدی می‌گذارند و بعضی در آن موقع می‌فهمند که چقدر عقب‌اند و با آنکه در رحمت خدا باز است ولی باز غافل‌اند. ولی بعضی‌ها خیلی جلوترند و آماده می‌شوند برای رفتن و در این راه جراحت را به بدن می‌بینند، دستشان، پایشان هم خونین می‌گردد؛ خداوندا به فریاد ما برس که از شدت گناه چون بدبختی هستیم.

خدایا، تو را به ناله‌های نیمه شب علی X قسم؛ به پهلوی شکسته زهرا 3 قسم؛ به ناله‌های یتیمان حسین X؛ به فریاد هیبهات منا الذله حسین X قسم؛ و تو را به مصیبت‌های وارده بر زینب 3 قسم؛ خدایا رحمی بر من کن و مرا به آرزوی من که لقاء توست برسان.



## بهمن فاتحی

- ولادت: ۱۳۴۴/۱۲/۲۰
- شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۲۷ خرمال

**خدایا،** به من بقبولان که همیشه مرگ در کمین من و آخر کار دنیوی مرگ است، پس مرگ را همچون شربت برایم شیرین و گوارا کن و مرگم را شهادت در راه خودت قرار بده.

**خداوندا،** روزی حلالیت را بر من بگستران و عافیت در بدنم و دینم عطا فرما و از وحشتی که دارم در امانم دار، تو مرا از آتش آزاد نگه دار.

**خداوندا،** مرا با سیاست کیفر مفرما، و به عذاب ناگهانی گرفتار مساز و رسوا مکن، و بدی جنّ و انس بی ایمان را از من دور ساز.

**خدایا،** به عزت و جلالت قَسمت می‌دهیم، صفات انسانیت، حالت تنبیه، نورانیت دل و سعه صدر و توفیق عبادت و بندگی و ترک معصیت به همه ما عنایت فرما.

**خدایا،** به عزت و جلالت قَسمت می‌دهیم، ما را بدار به راهی که رضای تو در آن است، و باز دار از راهی که سخط و غضب تو در آن است.



## مسعود فاروخی

- ولادت: ۱۳۴۳/۰۱/۰۶
- شهادت: ۱۳۶۳/۰۵/۲۴ مهاباد

پروردگارا، بارالها، شب جمعه، شب رحمت، شب استغفار، شب دعا، شب نیایش است امشب؛ خدایا، شب پشیمانی بندگان است، که با کوله باری از گناه به سوی شهادت شب جمعه می‌رسند، شب داغ دیدن زهرا 3 است، با چه زبانی دعا بخوانیم؛ خدایا، روزها می‌گذرد، هفته‌ها می‌گذرد، هر روز گلی از دیاری به خاک سپره می‌شود، این همه یتیمان شهدا را می‌بینیم باز هم نافرمانی می‌کنیم؛ خدایا، پروردگارا، این همه نافرمانی می‌کنیم، خدایا، جوابمان به شهدا چه باید باشد.



## فتحعلی فردی

- ولادت: ۱۳۴۶/۰۷/۰۱
- شهادت: ماووت ۱۳۶۶/۰۲/۱۵

خدایا، این سربازان حزب الله، راهیان کربلا و قدس، پاسدارن خون شهادت، رزمندگان سلحشور جبهه حق، پاسداران همیشه بیدار، عارفان سنگر، پاسداران عاشورا، مرزبانان همیشه بیدار، نگهبانان مرزهای اسلام، فاتحان همیشه پیروز، لبیک گوین به امام امت و سربازان حضرت مهدی # را نصرت و پیروزی عطا فرما.

الهی، عاشقی دل خسته هستم، به عشق تو در این سنگر نشستم. الهی، چنانکه باید تو را بشناسم، نشناختم و آن طوری که باید حمد و پرستش تو را بنمایم نکردم و من از تو آمرزش می‌خواهم و عاجزانه تقاضامندم که یاری فرمایی و نصرت دهی تا در شناخت هر چه بیشتر تو بکوشم و در ستایشت کوتاهی نکنم.

الهی، خواستم عمل خیری انجام دهم اما این نفس شیطانی و این خواهش نفسانی خلاف کرد؛ خواستم پاک باشم اما شیطان درونی نگذاشت؛ خواستم هدف خالص داشته باشم اما این نفس وسوسه نمود و مرا از هدف اصلی بازداشت؛ خدایا، معبودا، پروردگارا، یاری فرما، رحمتی کن تا بر این نفس اماره پیروز شوم و اعمالم را خالص گردانم و در راه تو قدم بردارم.

الهی، فطرت ما سبیل تو است و اینکه عمل مان خلاف سبیل تو می‌شود، این شیطان است که وسوسه می‌کند پس از تو درخواست دارم که قدم‌هایمان را ثابت در راهت بداری و نیاتمان را برآورده به خیر بگردانی.

خدایا، شهدا حسین‌وار رفتند و شمع محفل بشریت را روشن نمودند و راهی رسیدن به تو و لقاء تو شدند؛ بارالها، ما را از پیوندگان راه آنان و از پیروان رهبرشان قرار بده و یاری مان کن تا پیام آزادی این عزیزان را بگوش جهانیان برسانیم و بر رسالت زینب گونه خویش عمل نماییم.

و خدایا، ما را در این دنیا مدیون خونشان قرار مده و در آخرت از شفاعت شدگان توسط شفاعت شهداء قرار بده.

الهی، بارها از تو خواستم که مرا، رفتن به جبهه نصیب گردانی و حالا این دعایم را مستجاب نمودی و من به درگاهت شکر نموده و می‌خواهم که مرا خالص گردانی و توفیق بدهی در اینجا و در این مکان مقدس جبهه، خالصانه در راه تو قدم بردارم و شیطان مرا گمراه نسازد.

خدایا، جندالله را با سوگند به ثارالله، در لشکر روح الله، برای شکست عدوالله و استقرار حزب الله، زمینه‌ساز حکومت جهانی بقیه الله، حمایت کن. آمین

پروردگارا، ما چون صدای منادی، که خلق را به ایمان می‌خواند شنیدیم، اجابت کردیم و ایمان آوردیم؛ پروردگارا، از گناهان ما درگذر و زشتی کردار ما را بپوشان و هنگام جان سپردن ما را با نیکان محشور گردان.<sup>۱</sup>

۱. «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ



**خدایا،** معبود من، معشوق من، هستی داده به من، از تو می‌خواهم، خواستنی عاجزانه که بنده و عبد از مالک و رب خود می‌خواهد، که مرا مورد عفو خود قرار دهی (و گناهان زیاد و سنگین مرا ببخشی؛ فنا و ذوب شدن در خودت و شهادت را نصیبم گردانی).

**خدایا،** از تقصیرهای ما درگذر و عیب‌های ما را به خوبی‌ها مبدل ساز. **خدایا،** ما را در زمره پیروان پیمبران و پیشوایان قرار بده. بارالها، ما را به خیر و خدمت به خلق و فداکاری و شهادت در راه خودت موفق بگردان.

**خدایا،** چگونه شکرتم کنم و چه سان سپاست گویم که این فوز عظیم را نصیبم گردانیدی و به جبهه‌ام سوق دادی؛ از تو می‌خواهم که دعاهای امشب این سنگر را به استجابت برسانی. آمین

**خدایا،** مگذار در اینجا هم شیطان نفس بر ما غلبه کند و ما را برای زیارت و فنا شدن و رسیدن به لقاءت و دیدار روی مهدی # و شهادت و مردن با ایمان و اخلاص آماده ساز.

**خدایا،** از من راضی باش که من راضی هستم به رضایت. **خدایا، ای اله من،** اگر یک بار بگویی بنده من، از عرش بگذرد خنده من.

**الهی** من گنه‌کارم، گنه بسیار کرده‌ام، ولیکن تو بسیار بخشنده هستی، و اگر چه گناهم بزرگ است، اما بخشنده‌گی تو بزرگتر از آن است.

كَفَّرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ « آل عمران/ ۱۹۳

۱ . «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سَوَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَائِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي» فرازی از دعای کمیل



## سید محمود فرمانبر

■ ولادت: ۱۳۴۰/۰۱/۰۹

■ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲

خدایا، خدایا، توانایی به من عطا کن که بتوانم به وظیفه خودم عمل نمایم و توفیق بده که در وظیفه‌ام سستی ننمایم و در انجام وظیفه‌ام رضای تو باشد و جز تو را در کارهایم نبینم.

خدایا، قلبی به من عطا بفرما که لکه‌های گناه در آن نباشد و اراده‌ای به من بده که در مصاف جنگ بر علیه دشمن حتی یک لحظه مرا غافل و سست ننماید و بازوانی بده که دشمن نتواند در مقابل حملاتم ایستادگی نماید.

خدایا، در قلب دشمن ذلیل، ترس و رعب و وحشت بینداز تا در مقابل هجوم نیروهای رزمنده اسلام دوام نیاورد.

خدایا، دیده‌ای به دشمن بده که جز سرنگونی و ضلالت خود چیزی را نبیند.

پروردگارا، مرا از شر شیطان حفظ و در امان خودت نگهدار.  
خدایا، دوست دارم که یکی از بندگان خالص تو باشم و برای تو زنده باشم و برای تو زندگی کنم و برای تو بمیرم.

خدایا، مرا برای شناختن خودت راهنمایی فرمای تا من بتوانم تو را خوب بشناسم و بتوانم پرواز نمایم خدایا مرا در بستر مرگ نمیران؛ لحظات مرگ مرا شهادتم قرار بده.

خدایا، پروردگارا، معبودا، رخسار اربابم مهدی را حتی برای یک لحظه برایم آشکار ساز و قلبم را از عشق او لبریز گردان و دل او را از من خشنود ساز.

خدایا دوست دارم که از یاران و سربازان امام زمان # باشم، مرا از سربازان مهدی قرار بده.

خدایا، به آه و گریه و ناله شب زنده داران و به پیکار نیمه شب رزمندگان و پاسداران و به غرّش توپ و تانک و گلوله‌های سربی آبدیده، و به غم دل مادران و پدران منتظر، از گناهم بگذر و مرا مورد عفو خود قرار بده.

خدایا، به رزمندگان توانایی عطا بفرما که بتوانند دشمنان تو را از روی زمین بردارند و وجود این ننگ و خصم از جهان پاک شود.



## عیسی فرهادی

■ ولادت: ۱۳۴۰/۰۵/۲۴

■ شهادت: گیلان غرب ۱۳۶۰/۰۲/۲۵

خدایا، هر کس معبودی دارد و تو معبود مایی یعنی با تمام وجودم تو را ستایش می‌کنم.

خدایا، امام تو، علی تو، قرآن ناطق تو و پیامبر تو فرمودند: جهاد با کفار دری از درهای بهشت است.

خدایا، امام آمد و این دروازه گشوده شد اما من هنوز اسیر نفس خود بوده و نتوانستم بازش کنم و واردش شوم و تو را دریابم.

نمی‌دانم چگونه باید به سویت بیایم ولی این را می‌دانم مایوس بودن یک گناه کبیره است.

خدایا، شاید یقینم مثل آنچه باید باشد نیست و حتماً میدانم نیست، خودت آن یقین، ایمان، رستگاری، رشادت و شهادت را به من عطا کن. آمین یارب العالمین



## علی کریمی

■ ولادت: ۱۳۴۲/۰۱/۲۷

■ شهادت: بستان ۱۳۶۰/۱۰/۰۴

من از خداوند متعال می‌خواهم که چه کشته شوم و یا زنده بمانم مرا جزء شهداء قرار دهد، زیرا شهداء با پیغمبران و صالحین محشور می‌شوند و دیگر آنکه حسین سرور شهیدان با تمام جوانانش، در برابر ظلم و ظالم ایستاد و شهید شد، مگر من شیعه او نیستم. **خدایا، شهادت را نصیب کن، زیرا من مشتاق دیدار حسینم. خدایا، زیارت حسین X را در نزد خودت نصیب کن. ما از خدائیم و بازگشت ما بسوی اوست.**<sup>۱</sup>

به نام او که همه چیزم اوست، به نام او که زندگیم در جهت اوست، به نام او که زنده به اویم، به نام او که از اویم، زندگی‌ام به خاطر اوست، شدن در جهت اوست، بودنم از اوست، رفتنم به اوست، یادم اوست، جانم اوست، معشوقم اوست، معبودم اوست، مقصودم اوست، مرادم اوست، امیدم اوست، احساسش می‌کنم با قلبم، با ذره ذره وجودم، با تمام سلول‌هایم احساسش می‌کنم اما بیانش نتوان کرد؛ ای همه چیزم به یادت هستم، به یادم باش که بی تو هیچ و پوچ خواهم بود.

۱. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بقره/۱۵۶

خدایا، من که این لیاقت را در خود نمی‌بینم، اگر تو بخواهی، هر چیز را به هر کس خواهی داد.

خدایا تو را به خون شهیدان، مرا با شهدا محشور کن.  
 بارالها، از تو خواهانم با کمک این ملت غیور و مسلمان انقلاب اسلامی‌مان، به رهبری نایب امام زمان #، پرچمش فراتر از مرزها رود و ندای اسلام و اسلام محمدی | سراسر منطقه را فراگیرد، و نمونه‌ای از حکومت علی X در این منطقه استقرار یابد.

بارالها، خدایا، مستضعفین جهان را بر مستکبرین پیروز فرما و مستضعفین، خود سرنوشتشان را به دست گیرند. حضرت باری تعالی وضعیت ما را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود تصمیم بگیریم و اراده کنیم. با عزمی راسخ و استوار راه علی X و صراط مستقیم را انتخاب نمائیم. خدایا، ما را در برقراری و پا برجاشدن راه علی X کمک کن، افسوس که من بیشتر از یک جان در کالبدم وجود ندارد که بتوانم با ایثار و از خود گذشتگی، اسلام عزیز را یاری نمایم.

خدایا، پروردگارا، من به خود می‌بالم که سرباز اسلام هستم و سرباز امام زمان # و در راه تو خدمتگزارم.  
 بارالها، مرگ مرا، شهادت در راه خودت قرار بده.  
 بارالها، مرا برای کمک در به اهتزاز در آوردن پرچم مهدی #، پرچم مستضعفین جهان یاری فرما.

خدایا، شهادت مرا جزء شهدای صدر اسلام ثبت بنما، جزء شهدای زمان حضرت ختمی مرتبت | که اکمل موجودات، افضل انسانها، اشرف مخلوقات است، قرار بده. افسوس که یک جان بیشتر نداشتم که در راه نایب امام زمان #، که راه اسلام، که راه برپا شدن حق و عدالت است، هدیه نمایم.

خدایا، تشکر می‌کنم که تو این نعمت را به من دادی که بتوانم در برابر تو، در راه اهداف حکومت اسلامی، لذت‌ها و محبت‌های دنیوی را فراموش کنم و فقط راه تو را در نظر داشته باشم. خدایا، من هر چه از تو خواستم، در زندگی به من عطا فرمودی، حتی شهادت در راه خودت را از من دریغ نمودی، من چگونه بتوانم از عهده شکر تو برآیم.



## سید رضا کیاموسوی

- ولادت: ۱۳۴۳/۰۲/۲۶
- شهادت: حاج عمران ۱۳۶۵/۰۶/۱۰

خداوندا، از فرط سنگینی گناهانم شرمنده و روسیاهم؛ جز به فضل  
امید ندارم، پس مرا بیامرز چه اگر از درگاهت برانیم در گردابی از  
ظلمت و تاریکی غرق خواهیم شد.

پروردگارا، فردا پدر یتیمان و غمخوار مظلومان، از میانمان رخت  
برخواهد بست؛ ای آفتاب بیرون نیا و در پشت کوه‌های مشرق  
همچنان خاموش باش چرا که با دمیدن تو امتی بی سرور و امام  
خواهد شد.

خداوندا، چون این گونه اعمالمان برای تو و به خاطر توست  
فقط از تو استمداد می‌جوییم، ما را یار و یاور باش، به رحمت ای  
مهربان‌ترین مهربانان.

---

۱. روز شهادت حضرت امیرالمومنین علی ×

بار معبودا، فردا آخرین روز از ماه مبارک رمضان است، امسال هم سپری شد اما نمی‌دانیم که گناهانمان را بخشیده‌ای یا نه، از این رو هراسانیم و بیم آن داریم که سربلند و رو سفید نزد تو نباشیم. خداوند، به ائمه معصومین، به شهدای اسلام از صدر تا حال، به اجساد مطهر باقی مانده در بیابان‌های جبهه، قسمت می‌دهیم که ما را بیامرز و پدر و مادر ما را غریق رحمت بفرما، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

بارالها، همچنان که خورشید را بر فراز آسمان روشن نگاه داشتی تا بر زمین نورافشانی کند، امام عزیزمان را زنده بدار، تا بر خورشید نور برافشاند. آمین یا ربَّ العالمین

معبودا، همچنان که پروانه را به گرد شمع، دیوانه‌وار می‌چرخانی ما را نیز به گرد شمع وجود مقدس آقا امام زمان # عاشقانه بچرخان. آمین

خداوند، یکی یکی از روزها و ماه‌های تو را پشت سر می‌گذرانیم و امید آن داریم که گناهانمان را که چون پرده‌ای بر ما حجاب افکنده بیامیزی. به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

بارمعبودا، اینگونه زنجیرها را از دست و پاهامان بگشا و در عوض طوق بندگی خود را برگردن ما بیاویز. آمین

خداوند، بیامرزمان که امیدی بی‌کِراَن به لطف داریم. خدایا، اوقات تنهایی با یاد تو و در فکر تو می‌گذرد تا درهای رحمت گشوده گردد و ما بندگان عاصی را درخود ماؤا دهد. به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

خداوند، سربازانت را که تاکنون صبوری پیشه نموده‌اند افتخار ده و آنان را راهی کربلا کن. آمین

خدایا، با دلی آکنده از عشق و محبت و با قلم که جوهرش را به خون دل آغشته و با دلی پر درد می‌نویسم در دل حرف‌ها دارم و بر زبان قفلها، فقط برای تو می‌جویم و دردهای دل را با تو می‌گویم. و از کسانی که با تو و با راحت ناآشنایند، ناآشنایم.

خدایا، می‌خواهم بگویم که اگر خامم، پخته‌ام گردان و اگر پخته‌ام سوخته‌ام گردان و اگر سوخته‌ام خاکسترم کن و خاکسترم را به دست باد بسپار و در هر حال مرا در راه پاکت تکه تکه و پاره پاره و بدن سوخته گردان، این راه را بهترین شیوه مردن می‌دانم.



خدایا، من هر وقت که فکر می‌کنم در خود و در گذشته و درحال که می‌نگرم با خود می‌گویم که به راستی تو از کجا آمده‌ای و بعد تو را سپاس می‌گویم؛ چه اگر انقلاب زودتر به دادمان نرسیده بود و چه بسا ما هم روز به روز به سوی ذلت و زبونی پیشرفت می‌کردیم. خدایا، از الطاف بی‌کرات بی‌اندازه سپاسگزارم.

خدایا، بیشتر هدایت‌کن و راه درست را به من بنما. خدایا، امروزم را با دیروز مساوی نساز و هدایت‌کن آن‌طور که خود می‌خواهی، که طعم انحراف را چشیده‌ام و تلخی آن را با تمام وجودم حس کرده‌ام.

ای خدای بزرگ، مرا زود متوجه خطاهایم گردان و توفیق توبه از آن عنایت‌کن فرما.

خدایا، از میان تمامی نعمت‌هایی که عنایت‌کن کردی همین یک افتخار برایم بس که در لباس شریف سربازی برای تو و به خاطر تو و نه برای هیچکس خدمت می‌کنم.

بار پروردگارا، در میان جبهه‌هایی که بودم و جنگیدیم می‌دانم بارها و بارها امتحانم کرده‌ای اما نمی‌دانم که توانستم از زیر آزمایش‌هایت قبول شوم یا نه؛ و ما با تمام اینها یک چیز، یک احساس، یک جنبش و یک حالت تحریک همیشه در سینه‌ام موج می‌زند و آن عشق سرشاری است که نسبت به تو و به امامت داشتم و همین عامل باعث شده که سر از پا نشناسم و در جبهه‌ها حاضر شوم و برای تو بکشم تا کشته شوم.

بارالها، دنیای شعار را رها کرده و به دنبال جهانی از شعور در کوه‌ها و بیابان‌های پر آب و علف جبهه پرسه می‌زنم درحالی که روحم از شدت درد ضجه می‌زند و وجودم از گرمای عشق آتش می‌گیرد.

خداوند، دنیا برایم همانند زندانی گشته که تاب تحملش را ندارم و هر روز شاهد بر شهادت عزیزی دیگرم و می‌ترسم آن روزی را ببینم که تنهای تنها، در کوچه و خیابان‌های شهر قدم می‌زنم اما تنها یار و همدم عکس‌ها و پوسته‌های دوستان شهیدم که بر روی دیوارها زده‌اند باشند.

پروردگارا، آنگاه که فکر می‌کنم و مسائل را یکی یکی در اعماق ذهنم مرور می‌نمایم می‌خواهم کسی را ببینم که فقط گوش کند و حرف‌هایم را که از دل برمی‌خیزد، بر دل نشاندند اما چون کسی نمی‌یابم پس به این جریان پی می‌برم که چرا امیرالمومنین  $\times$  سر در چاه می‌نمود و برای چاه سخن می‌گفت.

**خدایا**، به دنبال انسان‌های آزاده و خالص بسیار خانه‌ها و کاشانه‌ها را درنور دیده‌ام اما اکثراً آنها را در خانه‌ای دیدم که تو و امام زمانت پیوسته بر آن نظر دارید و همانا آنجا سنگر است.

**آفریدگارا**، خسته‌ام و آزرده خاطر از دورویی‌ها، نفاق‌ها و کبر و خودبینی‌ها، می‌خواهم به سربازی راه یابم که انسانیت به معنای الهی در آن نمودار باشد می‌خواهم به سوی تو بیایم و در جوار دوستت سکنی گزینم و از تو استمداد بجویم و با غیر از تو بیگانه باشم.

**پروردگارا**، لحظه‌ای از یاد دوستان شهیدم غافل نمی‌شوم و این احساس، قلب مرا می‌فشارد؛ روحم محزون و پریشان در بیابان به بلندای ابدیت سرگردان می‌شود و سپس چشمان پر اشکم را که گواه بر این حقیقت جانکاه است تقدیم حضورت می‌کنم.

**خداوندا**، وقتی که انسان پروردگارش را سجده می‌کند یعنی تمامی شهوات و لذایذ زندگی‌هایش را به دور انداخته فقط برای رضای معبودش پیشانی بر خاک می‌ساید.

**خدای من**، اگر تو می‌خواستی که مرا خوار گردانی هرگز هدایت نمی‌کردی و چنانچه می‌خواستی مرا رسوا سازی هرگز مرا نمی‌بخشیدی.<sup>۱</sup>

**خدای من**، اگر تو مرا به خاطر جرمم مؤاخذه کنی تو را به عفو مؤاخذه خواهم کرد و اگر مرا در آتش داخل کنی همه اهل آتش را آگاه خواهم کرد که من دوستدار تو بودم.<sup>۲</sup>

۱. «إلهی لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فِضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي» فرازی از مناجات شعبانیه

۲. «إلهی إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ وَ إِنْ أَدَخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ» فرازی از مناجات شعبانیه

**خدای من**، اگر من لایق رحمت تو نیستم تو خود سزاوار است که با فضل و بخشش گسترده‌ات بر من ببخشایی.<sup>۱</sup>

**خدای من**، اگر خطاهای من مرا از تو ساقط گردانیده است آنان را به حسن اعتمادی که به تو دارم از صفحه وجودم بزدای.<sup>۲</sup>

**خدایا**، بر بنده گناهکارت رحم نما و صبر و استقامت نصیب ما بگردان و ما را مؤمن بمیران و با فضلت با ما رفتار فرما.

**خدایا**، بین ما و خودت و پیامبرانت و قرآنت جدایی مینداز.

\*\*\*

**خدایا**، تشنه‌ام از خستگی چشمم نمی‌بیند ولی باید که برخیزم  
بیابان را به پشت سر گذارم زندگی را نیک دریابم  
بیابان را غباری سخت پوشاندست  
ولی باید که ره یابم...  
هم اکنون می‌شود خورشید هم آن دورها خاموش  
غروب سخت و غمگین است  
و من هم همچنان عازم در این صحرای غمگینم  
**خدایا**، خالقا، دیگر توانی نیست  
شاید این دگر پایان یک عمر پر از رنج است  
اما نه، چه می‌خواهم سخن گویم  
سخن از خون و از خاک و خدا، از خود  
سخن از ذره، سخن از زور و از تزویر  
سخن از این همه خودکامگی‌ها و فزون خواهی  
سخن از درد و از درمان

\*\*\*

**ای خدای کریم**، راضی مباش که غیر از تو و راحت دل به چیز دیگری ببندم که این را بر خود ننگ می‌دانم.

**خدایا**، مرا زنده بمیران و آنگاه که ما را آمرزیدی هجرتی بس عظیم به ما عنایت فرما.

۱. «إلهی إن کُنْتُ غَیْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِکَ فَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ تَجُودَ عَلَیَّ بِفَضْلِ سَعَتِکَ»  
فراز از مناجات شعبانیه

۲. «إلهی إن کانتَ الخَطَايا قَدْ أَسْقَطَتْني لَدَیکَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلي عَلَیکَ»  
فرازی از مناجات شعبانیه

پروردگاره، بر پشت برادران بسیج ما جمله یا زیارت یا شهادت نوشته است، اگر من مختار در انتخاب یکی از این دو باشم شهادت را انتخاب می‌کنم، چه در شهادت زیارت هم هست. خدایا، مرا به عشق خاندان نبوت و عصمت و طهارت بمیران. پروردگاره، مرا در راه پاکت تکه تکه و پاره پاره گردان، چه این بهترین شیوه مردن است.

ای خدای کریم، از تو سپاسگزارم که دری از درهای رحمت را که همانا جهاد است به رویمان باز کردی تا از این طریق خود را و تو را بشناسیم و در دانشگاه انسان‌سازی ساخته و پرداخته شویم. پروردگاره، این توسلات را قبول درگهت بفرما و باران رحمت را بر سرمان ببار و آتش خشم و نفرینت را بر سر دشمنان مولا علی × فزونی ده. آمین

خداوند، به ما صبر و تحمل بر سختی‌ها و مشقت‌ها عنایت فرما، تا پیوسته در راهت ثابت قدم و استوار گام نهیم. آمین یارب العالمین خدایا، تو خود می‌دانی که ما این مشکلات را به خاطر تو تحمل می‌کنیم و مزدش را از تو می‌خواهیم.

بارپروردگاره، بگذار تمامی غم‌ها و اندوه‌ها و بلاها بر ما روی آورد اما لحظه‌ای از یادت غافل نمانیم.

خدایا، توانمان ده، نیرویمان ده، صبرمان ده، شجاعتمان ده تا برایت جان دهیم و تلاش و کوشش کنیم.

خدایا، ظلم و جور را در جهان و ایران اسلامی منزوی فرما.

بارپروردگاره، سربازان و پاسداران صدیقت را به مرگ سرخ و ایستاده بمیران. آمین یارب العالمین

خداوند، تو را به عزت و شرف این روز عزیز قَسَمت می‌دهیم به حق امام پنجم، این خورشید درخشان، گناهانمان را بریزی.

بارپروردگاره، از تو می‌خواهیم که بر ما منت گذاری و ما را هم با موفقیت از زیر آزمایش‌هایت به درآوری.

خدایا، اعترافات بنده‌ای را بشنو درحالی که اقرار به ضعف و کمبود دارد اما قلبی آکنده از عشق نسبت به تو، راهت را درسینه‌اش جای داده است.

خدایا، جبهه‌های ما را آکنده از عشق، تقوا و محبت ساز و در بین صفوف فشرده ما وحدت و صفا و صمیمیت قلبی را فزونی ده.

خدایا، قلب‌های مؤمنین و مسلمین را به هم نزدیک ساز و فداکاری و ایثارگری را به ما بیاموز تا در راحت بیشتر کسب تقوا کنیم.

خدایا، صورت‌ها و سیرت‌ها مان را جلای الهی ده. آمین یارب العالمین

پروردگارا، به ما صبر عنایت بفرما و قدم‌ها مان را بر دین ثابت بدار و ما را بر قوم کافران پیروز بگردان.

خدایا، روزهایمان را روزهای مبارزه و شب‌ها مان را شب‌های عبادت و بندگی قرار بده و قلب‌هایمان را به نور خود روشن و منور بفرما؛ چه سلاح در دست ما چه بدون سلاح، هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.

خدایا، ما را به چشم دل بینا ساز تا راحت را بیابیم و به گوش جان شنوایمان ساز تا حرام نشنویم.

خدایا، عشق حسین X ما را به این وادی کشانده است ما را به این عشق وفادار و ثابت قدم بدار.

بارپروردگارا، تو را سپاس می‌گوییم که مرا قوه تشخیص و عقل عطا فرمودی تا راه درست را از نادرست تشخیص دهم.

خدایا، تازه دامادان شهید ما را رزق و نوعروسان سیاه پوش ما را صبر عنایت بفرما.

خدایا، عبادت‌هایمان را خالص و ما را مخلص گردان چه ما محتاج به توایم و سزاوار نیست که عاصی سرگشته شویم.

خدایا، ما را بیمارز و غرق در رحمت کن، چه در عذاب دوزخ بسیار هراسانیم و طاقت دوری تو را نداریم.

پروردگارا، در این ماه مقدس گناهانمان را بریز و پاکمان گردان و یاریمان ده تا از پس آزمایش‌های تو رهایی یابیم و روسفید و در دنیا و آخرت باشیم.

خدایا، در این ماه، تیغ رزمندگان اسلام را برنده‌تر ساز تا از حدودت با حدیدشان پاسداری و حراست کنند.

خدایا، بیمارزمان که روسیاهیم و سخت از عذابت هراسناکیم.

خدایا، سربازانت امشب عازم کمین‌اند، پروردگارا، دشمن را در دام ما بینداز و ما را از دید دشمن محفوظ بدار.

خدایا، به سربازانت شجاعت، بی‌باکی، مبارزه، ترس از خدا و توان رزمیدن عنایت بفرما.

خدایا، یار و حامی رزمندگان باش. آمین یارب العالمین  
 خدایا، من به تو، به قرآنت، به پیامبرانت، به امامانت ایمان دارم و  
 این ایمانم نشأت گرفته از عشق، از سوز و از عقل است، نه از روی  
 هوی و هوس؛ پس مرا باری ده و در دنیا و آخرت روسفیدم گردان.  
 ای خدای کریم، ثابت قدم بر دینمان گردان و بر کفار پیروزمان  
 گردان و ما را زنده بمیران.

ای خدای کریم، به ما هم توفیق جانبازی و ایثارگری در راهت  
 عطا بفرما و زنده بمیرانمان تا در تاریخ جاودانه بمانیم و یادآوری از  
 حماسه سرخ مکتب باشیم.

خدایا، همواره صابر و شکیبا بر دردهامان گردان و راه و روش  
 حسین  $\times$  بودن را به ما بیاموز تا تو را دریابیم. انشاءالله تعالی  
 ای خدای کریم، تو را سپاس می‌گوییم که به ما فکر و شعور  
 دادی تا واقعیت‌ها را دریابیم و راه درست را پیدا کنیم، حقیقت‌جو و  
 واقع‌بین باشیم.

خدایا، تو مرگم را در همین جبهه‌ها برسان و عاشقانه بمیرانم تا با  
 رویی سفید به نزد تو آیم و من را بر این ایمان پایدار بدار.  
 خدایا، فردا در سنگرهایی خواهیم رفت که شاید هزارها شهید  
 به خون خفته در آن مسکن داشته از سلامت پاسداری می‌کردند  
 و به سرزمینی خواهیم رفت که هزاران شهید در آن گام نهاده و از  
 حدود تو با حدیدشان<sup>۱</sup> پاسداری نموده و سپس به سوی تو آمدند و  
 رستگار شدند.

ای خدای کریم، ما با قلبی آکنده از عشق این راه را برگزیده‌ایم  
 و تا هدف اصلی خود را در نیابیم از حرکت باز نخواهیم ایستاد. به  
 عبارت دیگر رهسپاریم با خمینی، تا شهادت تا منزلگاه تقوا پیشگان  
 و تا سرزمین عشق. به امید آن روز. انشاءالله تعالی  
 خدایا، ما را روشنی قلب و اخلاص عمل و تقوا و شجاعت عنایت  
 فرما تا رسالت خود را به درستی انجام داده، روسفید تو باشیم.  
 انشاءالله تعالی

خدایا، در این مبارزه پیروزمان گردان و در دانشگاه انسان‌سازی  
 روح و جان ما را پرورش ده.

۱. حدید در لغت یعنی آهن ولی اینجا منظور اسلحه است.



## فرهاد لاهوتی

- ولادت: ۱۳۴۱/۱۰/۲۰
- شهادت: جاده سسندج ۱۳۶۶/۰۶/۰۶

خدایا، اگر گناهان ما بسیار زیاد می‌باشد، با اینکه سرا پای وجود ما را نافرمانی و خطا گرفته است، باز به سوی تو رو آورده‌ام، حجت من همان کرم و فضلی است که خود قول آن را داده‌ای، سخن و وعده تو وعده حقیقی می‌باشد.

خدایا، تو را می‌خوانم با دلی هراسان و ترسان از قهر تو، و امیدوارم به کرم تو.

خدایا، نمی‌دانم شکر کدام یک را به جای آرم؛ آیا شکر نیکی‌هایی که از من معروف کردی یا از زشتی‌هایی که پرده پوشیدی، یا از آزمایشات و سختی‌هایی که برایم آسان کردی یا که بلاهایی که از ما نجات بخشیدی و توفیق عافیت دادی.

ای خدا، فضل و کرمات بالاتر از آنست که مرا با فعل من و گناه من مقایسه کنی.

ای سید من، ای آقای من، از من درگذر و مرا همواره به ذکر و یادت مشغول گردان و از قهر و غضبت مرا امان بخش و از عذابت در جوار رحمتت پناهم ده و از عطا‌های بی‌حسابت روزی ما قرار بده. خدایا، تو شایسته آن می‌باشی که خلق از تو بترسند و هم امید به مغفرت تو داشته باشند چون هم به انسان احسان می‌کنی و هم از گناهشان درمی‌گذری.





احمد متقی

■ ولادت: ۱۳۴۲/۰۱/۰۱

■ شهادت: جزیره مجنون ۱۳۶۶/۰۶/۲۳

خدایا، به ما چنان ایمان ده که اگر در میان خون بر ما تیر ببارد  
هرگز تسلیم نغمه‌های وسوسه‌انگیز ابلیس و ابلیسیان نگردیم.  
خدایا، به ما چنان ایمان ده که مشکلات دنیا بر ما چیره نگردد.  
خدایا، از تو می‌خواهم که اول پاکم کنی و آنگاه خاکم کنی.



## عنایت اله محمدی

■ ولادت: ۱۳۴۵/۰۷/۰۱

■ شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۲/۲۲

خدایا، شوق دیدارت مرا از پای در می‌آورد، پس پروردگارا، مرا دریاب که عزم سفر به کربلای معلای ابا عبدالله الحسین X کرده‌ام. خدایا گل نیستم اما در میان گل‌های گلستانت زندگی می‌کنم، پس بار پروردگارا، تو را به عزت امام حسین X قسمت می‌دهم، که مرا جزء این گلها قرار ده.

بار پروردگارا، تو گفתי بیا از دینم دفاع کن و با کفار مبارزه کن؛ الهی، من که آدمم؛ پس از تو می‌خواهم که گناهانم را ببخشی. خدایا، تو را به عزت فاطمه زهرا 3 قسمت می‌دهم که پیر جماران امام خمینی را برای امت مسلمین حفظ بگران.



محمد مدبری

■ ولادت: ۱۳۴۶/۰۶/۱۵

■ شهادت: حاج عمران ۱۳۶۵/۰۶/۱۰

حمد و ستایش را از آن **خدایی** باید دانست که باید به رضای او دم فرو برد و دم بر آورد.

**بارالها**، دوست دارم همچون پروانه‌ای باشم؛ آن پروانه‌ای که مجنون‌وار دور شمع می‌گردد و در آخر خود را به شمع زده و می‌سوزاند تا با سوزاندنش مجنون بودن را ثابت کند؛ معبودا دوست دارم همچون بندگان صالحت بسوزم.



## مجید مرآت

- ولادت: ۱۳۴۱/۰۲/۰۱
- شهادت: ماووت ۱۳۶۶/۰۴/۰۶

خداوندا، همیشه دعایم این بوده و هست که مرا هم جزء شهدا قرار بده.

بار پروردگارا، هرچند تقصیر و گناه زیاد داشته و دارم، اما امیدم به الطاف و فضل توست، پس سعی و تلاش مرا در راه خود و برای خود گردان و مرگم را نیز در راه خودت قرار بده.



## اسماعیل مشفق

- ولادت: ۱۳۴۰/۰۲/۰۱
- شهادت: کوشک ۱۳۶۴/۰۵/۳۰

خداوندا، پروردگارا، به درگاهت شکرگزاریم که به ما توفیق حیات در زمان انقلاب اسلامی و رهبر آن عنایت کردی.

پروردگارا، به درگاهت شکرگزاریم به خاطر توفیق در جبهه‌های حق علیه باطل و توفیق خدمت به اسلام و مسلمین و جمهوری اسلامی.

خداوندا، توفیق عبادت و بندگی شایسته به ما عنایت فرما.



## حمید مشکین

- ولادت: ۱۳۴۶/۰۴/۲۰
- شهادت: مریوان ۱۳۶۳/۰۱/۰۲

خدایا، دشمنان اسلام و دشمنان دین خودت، اگر رو به شفا هستند شفاى عاجل و اگر رو به شفا نیستند نابود و ذلیل شان بگردان.  
خدایا، این روح خدای نایب امام زمان #، این مجاهد پیر، مرجع عالیقدر جهان، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، خمینی کبیر را تا انقلاب حضرت مهدی # نگهدار و از لحظه‌های عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای.

ما در این ساعت شب از تو درخواست می‌کنیم به حق علماء دین تو، مردم عراق و ملت‌های جهان را از یوغ ستمگران نجات ده. **خدایا**، آمریکای جنایتکار این دشمن اصلی خلق، این شیطان بزرگ، این خونخوار عالم، این مفسد فی الارض را هر چه زودتر نابود بگردان.

**خدایا**، نقشه‌های دشمنان اسلام را یکی پس از دیگری نقش بر آب بگردان.

**خدایا**، تمامی این دشمنان دین خودت اگر رو به شفا هستند شفای عاجل و اگر رو به شفا نیستند **خدایا**، ریشه‌شان را از سر مسلمین جهان بکن.

**خدایا**، این رزمندگانی که بر علیه کفر می‌جنگد هرچه زودتر پیروز بفرما.

**خدایا**، این سال نو و این ماه عزیز را آخرین ماه جنگ ایران و عراق قرار بده.

**خدایا**، تو را قسم می‌دهیم به عزّت و جلالت، امام امت و رزمندگان دلیر اسلام را در سراسر گیتی پیروز فرما.

**خدایا**، برادرانی که راهی جبهه‌ها شدند از تیر مستقیم و غیر مستقیم دشمن حفظ فرما.

**خدایا**، به خانواده‌های شهدا و همچنین به خانواده‌هایی که جوانانشان راهی جبهه‌ها شدند صبر و تحمل فرما.

**خدایا**، شهیدان ما رفتند ولی ما را توفیقی بده که راهشان را ادامه بدهیم.

ای **خدای من**، شهادت را نصیب ما بگردان.



## علی اکبر ملکی

■ ولادت: ۱۳۳۹/۰۳/۰۲

■ شهادت: خرمشهر ۱۳۶۱/۰۳/۰۲

پروردگارا، تو را شکر می‌گویم که پیامبران الهی را مبعوث نمودی تا راه مستقیم را به ما بنمایانند و به تو وصل نمایند.

پروردگارا، همه‌ی ما از توایم و به سوی تو باز می‌گردیم. مصداق این آیه شریفه: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. پس از مرگ هراسی نداریم! پروردگارا، کردارم، رفتارم و ... را خدایی کن تا هر کاری را فقط برای رضای تو انجام دهم.

خدایا، این فرمایش حضرت علی (ع) را در مورد من نیز امکان‌پذیر ساز تا بتوانم با جان و مال و خون خویش با تو معامله کنم. ایشان فرموده‌اند: مرگتان لحظه‌ایست که زنده باشید ولی مغلوب و سرافکنده، ولی زندگی واقعی‌تان آن لحظه است که بمیرید ولی پیروز و سربلند؛ پس شهادت در راه خدا را نصیب من بگردان. آمین





## سید منصور منصوری

- ولادت: ۱۳۴۴/۰۹/۱۱
- شهادت: فاو ۱۳۶۵/۰۲/۰۱

خدایا، چشمه زمزم کجاست؟! آب کوثر در کدامین نقطه می‌جوشد که صدایش را می‌شنوم ولی برایم هویدا نیست، خدایا بوی مهدی از هر گوشه‌ای به مشامم می‌رسد، صدای حسین را می‌شنوم که یاری می‌طلبد، صدای فاطمه 3 را می‌شنوم اما هر چه با شمشیر تیز نگاهم فضا را می‌شکافم هیچ نمی‌بینم.

احساس می‌کنم که مرگ در دستانم اسیر است و ملائک به جای ستاره‌ها بر سینه آسمان نشسته‌اند، گویی منتظر ما هستید؛ حس می‌کنم که امام زمان # در سنگرهایمان قدم می‌زند و کربلا کنار سنگر ماست و ملائک از آسمان آب کوثر بر وجودمان می‌ریزند؛ آینده را می‌نگرم که پیکرهای خونین‌مان روی دستان ملائک به معراج می‌روند، شیرینی آب کوثر را که علی X بر گلوی خشکیده‌ام می‌ریزد حس می‌کنم.

خدایا، گمانم را به یقین تبدیل ساز و رویاهایم را به حقیقت...  
خدایا، من عاشق شهادت هستم؛ خدایا قبول کن و شهادت را نصیب من بگردان؛ من تنها راه نجات خود را از آتش دورخ و عذاب الهی فقط چشیدن شهد شهادت، می‌دانم.



## محمد مهدی مهدی پور

- ولادت: ۱۳۴۶/۰۶/۲۱
- شهادت: بانه ۱۳۶۶/۰۲/۰۶

بارپروردگارا، ایزدا، معشوقا و مسجودا و معبودا، با تو سخن می گویم چرا که دیگر جای صحبتی با اغیار نیست؛ خدای من با تو سخن می گویم چرا که هستی بخش من و همه جهان هستی تویی؛ با تو سخن می گویم چرا که از اسرار همه آگاهی و کسی را بر سر تو آگاهی نمی باشد و نیست. الهی، با تو سخن می گویم چرا که تو تنها دردشناس و شفادهنده دردی. الهی، با تو سخن می گویم چرا که تو بر ذره ذره وجود من سیطره داری و لحظه ای و آنی بر من غفلت نداشتی و حال آنکه من در همه عمر از تو غافل بوده ام.

الهی، با تو سخن می‌گویم که تو سرّ را برای کسی باز نمی‌کنی و مرا رسوا نمی‌سازی.

الهی، با تو سخن می‌گویم چرا که تنها تو آگاهی که کوله بار اذنب و گناهم چقدر سنگین است آنچنان که قلم از نوشتن عاجز است و صفحه کاغذ ناتوان از حمل آن.

الهی، یادم ده که چگونه با تو سخن بگویم.

بارالها، پروردگارا، با یاد تو و به نام تو برای نصرت امام زمان # و نائب بر حق او و برای اثبات توحید و حقانیت اسلام به جبهه آمده‌ام؛ از تو ای معبود، من می‌خواهم که بر این امر توانایی ام دهی.

بارپروردگارا و ایزدا، بسیجیان عاشقانه و مخلصانه به جبهه آمده‌اند و به ایثار و انفاق و رشادت و شهادت و شهادت جلوه‌ای نورانی بخشیده‌اند، از تو ای یگانه معبود می‌خواهم که شایستگی دهی تا در زمره آنان باشم.

بارایزدا و معشوقا، تو آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا»<sup>۱</sup> را بر ما نازل کردی، ای آنکه جانم در دست توست، مرا و ما را که در ردیف إِمَّا شَاكِرًا قرار ده.



محمد رضا ناصری نژاد

- ولادت: ۱۳۳۴/۱۰/۲۷
- شهادت: حلبچه ۱۳۶۷/۰۱/۰۹

خدایا، آنگاه که حقیقت را عیان دیدم، دوستت شدم، آنگاه که محبتت را دیدم، از خویش شرمنده؛ نمی‌دانم چه گویم و چگونه؟! لطف تو مرا احاطه کرده و هواهای شیطانی مرا باز داشته؛ از تو کرامت بود و از بندهات طغیان و چموشی؛ تو در اوج قدرتت به ضیافتم خواندی و من در حضيض ذلتم به تو دشمنی کردم؛ آنچنان شیطان در من خانه کرد که علیه تو عصیان کردم ولی تو محبت کردی، گویا تو از بندهات شرم داری او را مبتلا سازی!

مهرباناً، اگر در این حال گویند رخت دیار دگر بربند، چه حالیست  
 مرا؟!

در این چند صباح عمر، عملی خالص و پربار نمی‌یابم، رخصتی  
 را در یاد تو نمی‌بینم، اکنون خود را غرق‌ی یافته‌ام که امیدش به  
 توست، خار و خاشاکی که بدان توّسل یابد، نیست.  
 معبودا، تو مرا به بزرگیت بپذیر، تو تاکنون محبت کرده‌ای،  
 فراموشم مکن.

خدایا، نه عمیقانه تو را شناختم و نه خالصانه و بی‌باکانه در راحت  
 قدم نهادم، شرمندگی از آن این کوچکترین است و دست گرفتن از  
 بزرگ.

الهی، در خلق مرا عزّت بخشیدی، در حالی که هیچ بودم، تو مرا  
 کفالت کردی و کفایت نمودی. هر چه خیر بود، از تو بر من نازل  
 شد و کوتاهی در آن نبود و هر چه غفلت و شرم از من؛ حال چه  
 کنم؟ خود گو که گفתי فریاد زن تا پرده‌ها حجاب نفس را پاره کند،  
 رخصت وصل تو را می‌طلبم که در دل سنگ، آتش افکنده‌ای.

نور، عشق، رحمت، این غریق را دریاب که در پرتگاه است و  
 سرشارش کن که در خسران است و او را آتش ده که در سردی  
 است و نورش بخش، که خاموش است.

خدایا، تو عالم می‌خواهی نه عابد، نه عارف خواهی، نه زاهد، تو  
 نوری، نور می‌طلبی؛ تو عشقی، عشق می‌طلبی؛ چرا که آنها در خم  
 کوچه ایزراند و اینها بر مسند قلّه فلاح. عاشق که شد؟ که یار به  
 حالش نظر نکرد؛ بیچاره درد نیست، وگرنه طیب هست.

خدایا، هر که آسودگی می‌خواهد، من آتش عشق در وجودم  
 می‌طلبم و هر که عقل راهنما می‌خواهد، من دیوانگی طلب می‌کنم.  
 خدایا، شایسته بود بندهات، شب و روزش را به استغفار می‌گذراند  
 و به شکر و سپاس و حمد مشغول بود و چه کسی بدحال‌تر از من  
 است که در گناه و غفلت بوده‌ام.

خدایا، شیطان در تمام اعماق وجودم رخنه کرد و مرا از یاد تو  
 بازداشت، خدایا هرگاه در دریای گناه خویش می‌نگرم خود را  
 شقی‌ترین می‌یابم و در حضيض ظلمت خود را می‌یابم؛ از خود  
 مأیوس می‌گردم و بی‌چیز می‌بینم.

خدایا، کدام نماز از غافل می‌پذیری و کدام دعا از محبوب نفس.

خدایا، چه رمزی است که در نگاه به خویش، پوچی و در نگاه به تو همه چیز.

خدایا، اگر مرا به خود واگذاری، پیروی شیطان بر نفس است و عصیان بر تو و انبیاء و اولیاء؛ و اگر تو مرا کفالت کنی اطاعت توست و رسول و اولیاء تو؛ عصیان من بر اطاعتت را نپذیر و نپسند.

خدایا، به قدرت بی‌پایانت سوگند، مرا توان ترک به معصیت و مقابله با وسوسه‌های شیطان نیست، مرا کمک کن؛ تو خود شاهدی که نمی‌خواهم عصیانت کنم، مرا بر اطاعتت توان بخش.

امید من به لطف بیکران توست که تا حال این ضعیف، هزارگونه ظلم به نفس کرد و نافرمانی امرت، اما تو ابر رحمت را باراندی بر او و چهره‌ی زشت روحش را پوشاندی، حال نیز به این امید تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم.

خدایا، افسوس که این چند روز به معرفت تو بگذشت و عشق برخاسته از معرفت در سینه‌ها جا بگرفت.

به هر حال امیدوارم که از در خانه زدن تو، خسته نشوم و این خسران را به خواندن به رحمانیتت جبران کنم.

خدایا، من اول بنده غافل تو نیستم که عفو کنی و چه بسیار گناهکاران را بخشوده‌ای.

خدایا، چه کنم که فقیرم و تو غنی و در اعطای دریای پرخروش رحمت و عطایت کم نمی‌شود، مرا لایق لطف و رحمت گردان.

خدایا، رحمتت وسیع و بی‌نهایت است و مرا به آن می‌خواند که من چیزهایی را فریاد کنم که لیاقتش را ندارم؛ من عشق و معرفت، شهادت، حیات و ممات را می‌خواهم.

خدایا، آن سوز ده که بر خاک‌ها غلت زخم و العفو، العفو بگویم تا نفسم بند آید.

خدایا، مرا به عملم مواخذه مکن، یا ارحم الراحمین، یا غافر المذنبین، یا ساتر العیوب و الخطایا.<sup>۱</sup>

خدایا، مرا ببخش که اگر مرا نبخشی، در درگاهت، پس رو سیاه خواهم بود.

خدایا، من خود را به تو واگذارده‌ام، پس زندگی و مرگم را به آنگونه که خودت صلاح میدانی قرار ده.

۱. ای مهربان‌ترین مهربان‌ها، ای بخشنده گناهان، ای پوشاننده گناهان و اشتباهات.

ای معبود من، ای خالق من، ای معشوق من، ای الله، جانبازی در راهت شیرین است، چقدر انسان با وقار می‌میرد و جان می‌دهد و من دوست می‌دارم با اینکه خیلی گناه دارم، سر از فرمان تو باز زدم؛ ولی چه کنم؟! امید به لطف و کرم تو دارم و حاضرم که این جان ناقابل و خون کثیفم را در راه پاک و پر ارزشت هدیه کنم.

تو می‌دانی که با چشمی باز و با اندیشه‌ای روشن و با قلبی سرشار از عشق به تو، به سویت آمدم، تا جبران کنم، اگر بتوانم و تو توفیق دهی مرا و تنها درخواستم همین است از تو؛ ولی من و خدای من که مرا عفو کنی و ببخشی و از این دنیا ببری.

خدایا، از تو می‌خواهم که مرا در پیشگاه مولایم حسین × روسیاه نکنی، که من شرمنده باشم، و اگر شهادت را نصیبم کردی، می‌خواهم جنازه‌ام، همانند آقایم و مولایم باشد. چرا؟ چون نمی‌خواهم در نزد آقا شرمنده باشم.

خدایا، قلوب ما را به نور ایمان و قرآنت منور ساز و مرا هرچه بیشتر به حقایق قرآن آشنا نمای؛ به امید خدا، ان شاء الله





## علی نجفی

- ولادت: ۱۳۴۲/۰۳/۱۰
- تاریخ شهادت: حاج عمران ۱۳۶۵/۰۶/۱۰

ای خدا، اگر تو مرا محروم سازی، دیگر چه کسی می‌تواند مرا روزی دهد و اگر تو مرا خوار گردانی چه کسی مرا یاری می‌تواند کرد.<sup>۱</sup>

خدایا قسم به عزت من کسی را که گناهانم را بخشد غیر از تو نمی‌دانم.<sup>۲</sup>

---

۱. «إلهی إن حرمتی فَمَن ذَا الذی یرزُقنی و إن حَذَلتَی فَمَن ذَا الذی یتصرُنی» فرازی از مناجت شعبانیه

۲. «اللهم لا اجدُ لِذُنُوبی غَافِراً... غیرک» فرازی از دعای کمیل



محمد نصرالهی

- ولادت: ۱۳۴۰/۰۶/۰۲
- شهادت: گیلان غرب ۱۳۶۰/۰۹/۱۳

خدایا، آمدهام که در راهت جهاد کنم و در راهت عاشقانه شهید شوم.

خدایا، آمدهام که در کربلاهای ایران، کربلای حسین علیه السلام را یاد آورم.

خدایا، در این کوه و دشت و بیابان به چه کاری آمدهام جز کاری که در راهت باشد.

خدایا، آمدهام که در دانشگاه اسلامی (جبهه‌های جنگ) اصلاح شوم و خالصانه تو را عبادت کنم، تا تو مرا از عذاب آتش دور و به راهت هدایت کنی.

بارالها، نمی‌دانم عاشقانِ راهت را تا چه حدی هدایت می‌کنی، ولی می‌خواهم که، همه عاشقانت را به صراطِ مستقیمِ راهنمایی کنی تا تو را بپرستند.

الهی، به من ایمانی ده تا بتوانم، تا آخرین قطره خونم در راهت بجنگم.

بارخدا، ندای تو را شنیدم و اطاعت کردم و آمرزش تو را می‌طلبم که بازگشتم به سوی توست.

خدا، برای نزدیکی به تو، امامانِ معصوم را شفیعِ پیشت قرار می‌دهم. یا وَجِیهاً عِنْداللهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْداللهِ

خدا، شهدا را نزدت آورده و شفیعِ قرار می‌دهم. یا وَجِیهاً عِنْداللهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْداللهِ

خدا، آنچه به من وعده داده‌ای بنما به من.

خدا، دیگر از این دنیا خسته شده‌ام و آرزوی شهادت را در قلب می‌پرورانم و تو از این آرزو بی‌نصیبم مگردان. اللهم ارزقنا شهادهً فی سبیلک.

خدا، سوگندت می‌دهیم که از عمرم بکاهی و به عمر امام عزیزمان بیفزایی و پیروزی اسلام بر کفر صدامی را نصیبمان بگردانی.

پروردگارا، من بنده تو هستم که به گدایی در خانه تو آمده‌ام، بحقِ مقربانِ درگاهت دعاهایم را مستجاب بفرما.

بارخدا، به تو توسل می‌جویم که تو بهترینی.

خدا، من که را دارم جز تو، که بتوانم با او درد دل کنم و بتوانم راز و نیازم را با او در میان بگذارم؛ خدا، به تو پناهنده می‌شوم که تو هستی نجات‌دهنده و هدایت‌کننده.

الها، از تو کمک و یاری می‌طلبم، زیرا سخت گناه‌کارم و در آخرین لحظات جز تو پناهگاهی ندارم که بتوانم او را بیابم و بجویم.

معبودا، خالقا، خالصانه گردان کارهایم را، تا فقط به خاطر رضای خودت باشد و دور گردان کارها و عمل‌هایی را که همراه با نفسم انجام می‌گیرد.

خدا، خدا، تو را می‌خواهم و تو را یاد می‌کنم، چون می‌دانم که تو هستی که می‌توانی خالصم گردانی و به راهت هدایت کنی.

۱. «ای آبرومند نزد خدا، پیش خدا ما را شفاعت کن» فرازی از دعای توسل

ای آقای من، معبود من، به سراغ چه کسی روم که ندایم را بشنود، و ندا در دهد که من تو را نجات و پناه خواهم داد.

ای سید و مولای من، به تو پناهنده شدم از هوی و هوس نفس که تنها سد شناخت توست و از تو می‌خواهم که مرا از نفسم دور گردانی که سخت در فرو رفتن به گناهم؛ پس خدایا، من جز تو چه کسی را شفیع خود قرار دهم؟

ای آقا و مولای و سید من، دیگر خسته شده‌ام و فقط تو را دارم، فقط به تو چشم دوخته‌ام و از کارهای زشت خود به تو پناهنده می‌شوم؛ ای نجات دهنده بی‌پناهان و ای رهنماگر بی‌رهنمایان و ای فریادرس فریاد رسان و ای بخشنده گناهان.

آیا مرا هم جزء بندگان هدایت شده‌ات قرار خواهی داد و آیا مرا از عذاب دوزخ نجات خواهی داد؟!

گیرم که تمام آتش دوزخ را متحمل شوم ولی دوری و جدایی تو را چگونه تحمل کنم که فقط تو معشوق من هستی و فقط به تو دل بسته‌ام و فقط تو را معشوق خود یافته‌ام.

ای پروردگار مهربان، پس درگذر در این ساعت و در این لحظه از گناهم و از اعمال زشتم و درگذر از اعمالی که به خاطر نفس آن را انجام داده‌ام.

خدایا، تو را به درگاه مقربانت سوگند، که یک لحظه مرا بخود وامگذار.<sup>۲</sup>

بارالها، در این دشت و بیابان و در این کوه و جنگل، گام‌هایم را به سوی تو می‌گذارم که تقاضای عاجزانه از تو برای چندمین بار دارم، از سر تقصیراتم در گذر.

خدایا و معشوقا، جهادم را در راهت و تلاشم را ز فرمانبرداریت قرار ده و نیتم را در کردار با خودت خالص گردان.

پروردگارا، تو در رحمت به سویم بگشا که تو بهترین گشاینده‌ای. ای مولا و محبوب من، به تو ایمان آورده‌ام پس از عذاب جهنم مصونم دار.

۱. «إلهی أنا أصبرُ علی عذابکَ فَکَیفَ أصبرُ علی عذابکَ لا معبودَ سِواکَ» فرازی از دعای کمیل

۲. «إلهی لا تکلنا إلی أنفُسنا طَرفَه عینَ أبدا» فرازی از دعای ابو حمزه ثمالی

ای خالق انسان‌ها و جهان، در گذر از بدی‌هایم و قرار ده مرا با نیکوکارانت.

بارالها، بر نفسم ستم کردم و اگر تو نیامرزی و نجاتم ندهی و رحم نکنی به من، از زیانکاران در نزد تو خواهم بود.<sup>۱</sup>

ای فریادرس فریادرسان، هرگز معبود و معشوقی غیر از تو را نمی‌گیرم و نمی‌پرستم جز تو کسی را، پس توفیق اطاعت و بندگی و توفیق عبادت عنایت بفرما و عوض خیر به من ده تا از بندگان مخلص تو باشم. خدایا، توفیق اطاعت و بندگی و دوری از گناهان به ما روزی فرما؛ الهی، به ما نیت پاک، شناخت حرمت‌ها، مرحمت فرما.<sup>۲</sup>

بارالها، عالما، دل‌های ما را از علم و معرفت لبریز گردان. خدایا، دیدگان ما را از بدنظری و خیانت بپوشان.

الها، خدایا، پروردگارا، گوش‌هایمان را از بیهوده و غیبت نگهدار.

خداوند، زبان ما را به راستی و درستی استوار فرما.<sup>۳</sup>  
پروردگارا، مرا و پدر و مادر مرا و همچنین مومنین را در روز حساب بیامرز.<sup>۴</sup>

پروردگارا، تو دری از رحمت به سوی ما بگشا که راه تو راه حق است و تو بهترین گشاینده‌ای.

پروردگارا، به ما صبر و شکیبایی عنایت کن و در عبادت ثابت قدم بدار و بر کفار پیروز بخش.<sup>۵</sup>

پروردگارا، به ما تحمل و بردباری عنایت فرما و ما را جزء تسلیم شدگان پیغمبرت بمیران.

پروردگارا، ما به تو ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب جهنم مصون بدار.<sup>۶</sup>

۱. «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» اعراف/۲۳

۲. «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّيِّهِ وَعِرْفَانَ الْحَرَمَةِ» فرازی از ادعیه برای حضرت حجت #

۳. «وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ» فرازی از ادعیه برای حضرت حجت #

۴. «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» ابراهیم/۴۱

۵. «رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» بقره/۲۵۰

۶. «رَبَّنَا إِنَّا أَمَتًا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» آل عمران/۱۶

پروردگارا، ما بر نفوس خود ستم کردیم و اگر تو ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.<sup>۱</sup>  
پروردگارا، ما در هر کار به تو توکل می‌کنیم و از تو استعانت می‌جوئیم که بازگشت همه ما بسوی توست.  
ای پروردگار ما، گناهان ما را ببامرز و از بدی‌های ما درگذر و بپوشان و ما را با نیکوکاران قرار ده.<sup>۲</sup>  
پروردگارا، تو هیچ چیز را باطل نیافریدی، تو منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار.<sup>۳</sup>  
پروردگارا، خدایا، ای خدای من! از کفار احدی را زنده روی زمین مگذار.

- 
۱. «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» اعراف/۲۳
  ۲. «رَبَّنَا فَارْحِمْنَا وَأَرْحَمْنَا وَرَحْمَةً مِّنْكَ نَرْجُو وَارْحَمْنَا إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الرَّحِيمُ» آل عمران/۱۹۳
  ۳. «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» آل عمران/۱۹۱



محمود نهی قناد

■ ولادت: ۱۳۳۹/۰۷/۲۷

■ شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۲/۲۷

الهی، شکر است که از اساتید بی‌رنگ، رنگ گرفته‌ام.  
الهی، خوشا آنان که فقط با تو دل خوش کرده‌اند.  
الهی، شکر است که بنده آزادم.  
الهی، انگشتری سلیمانیم دادی، انگشت سلیمانیم ده.  
الهی، سرمایه کسبم دادی، توفیق کسبم ده.



## نقی ورزلی

■ ولادت: ۱۳۳۷/۰۹/۰۷

■ شهادت: کامیاران ۱۳۶۷/۰۱/۲۷

خدایا، خودت از دلم آگاهی، و آگاهی که من همه مردم را دوست داشتم و سعادت و سلامت و پیروزی همه را می‌خواستم حتی آن کسانی که منحرف بودند و در این راه در حد توانم کوشش کردم. پروردگارا، اگر شایسته باشم که از معبودم درخواست کنم که خودت فرمودی «شما بخوانید مرا و من اجابت می‌کنم»؛<sup>۱</sup> در این لحظات آخر اگر باز تو بخواهی که لحظات آخر باشد از درگاہت می‌خواهم که همه‌ی مردم ما را در پاکی و صراط مستقیم هدایت فرما.

۱ . «أدعونی أستجب لكم» غافر/۶۰



الهی، بحق خود و به عظمت و جلال، مردم مسلمان جهان را در راه مبارزه با کفر جهانی و شیطان درونی پیروز بفرما. پروردگارا، مردم ما را با هم مهربان و در کنار هم و یار و غمخوار هم قرار بده و در این شرایط سخت جهان یاری فرما. پروردگارا، رهبر کبیر انقلاب اسلامی که قلم از توصیف شخصیت آن وجود مبارک، ناتوان است که تنها دل‌های پاک گواهی می‌دهند آن وجود مبارک چگونه است و او را برای این امت و مسلمان جهان حفظ بفرما. خدایا، شیطان را از ما دور و حق را بر ما روشن بگردان.



حمید رجبی مقدم

- ولادت: انزلی ۱۳۳۷/۲/۱۹
- شهادت: عین خوش ۱۳۶۱/۸/۱۰

خدایا ما از تو می‌خواهیم حسینی باشیم؛ تو نیز ما را یاری کن تا از این آزمایش خطیر روی سپید درآییم. دینمان، رهبرمان، جامعه‌مان و امت اسلامی‌مان را یاری کنیم و ثابت کنیم که: ما اهل کوفه نیستیم. آمین یا ربّ العالمین



## یعقوب یوسفی

- ولادت: ضیابر ۱۳۳۸/۱/۳
- شهادت: فاو ۱۳۶۴/۱۱/۲۱

خدایا، به من قلبی ده که جایگاه تو باشد.  
خدایا، به من چشمی ده که در نگاه تو باشد.  
خدایا، به من مغزی ده که در فکر تو باشد.  
خدایا، به من زبانی ده که در ذکر تو باشد.  
خدایا، به من دست و پای ده که در راه تو باشد.

## سید حبیب‌الله شفیعی

- ولادت: رودسر ۱۳۳۸/۳/۱۴
- شهادت: رقایه ۱۳۶۱/۱۱/۱۹

پروردگار! معبودا! داورا! کریم! ای محبوب محبان، ای معشوق عاشقان، ای نجات گمراهان، ای نور دل عارفان، آنانکه در این امواج پرخروش حیات به جستجوی تو برخاستند، تو را یافتند و چون آنان به تماشای جمالت با دیده‌ی دل - ای کل‌الکمال - نائل شدند، چشم به هم زدنی از تو غفلت نکردند و لحظه‌ای بی‌یاد تو به سر نبردند و به غیر تو روی نیاوردند.

## شب نشینی با خدا

الهی از گنه، این دل فسرده است چه قیمت این دلم را، چونکه  
مرده است

ندارم طاقت درد جدایی خداوندا مرا تنها خدایی  
ز جام وصل خود پیمانهام ده دلی دور از صف بیگانهام ده  
دراندازم به آغوش شهادت کرامت کن مرا فیض شهادت  
اگر عمری گنه شد حاصل من اگر شیطان ربود از من، دل من  
ولی امروز از تو عذر خواهم منم مسکین تو، بگذر از گناهم



سید محمد محمدنژاد

- ولادت: لاهیجان ۱۳۳۸/۱۲/۲۵
- شهادت: حاج عمران ۱۳۶۵/۶/۱۰

خداوندا! ای کاش هزاران جان داشتم و یکایک آن را در راه تو می‌دادم و آن لذت را که موقع جان دادن داشت، می‌چشیدم و به سوی معشوق خود که تو باشی پرواز می‌کردم.



## ابراهیم کشاورز

- ولادت: لاهیجان ۱۳۳۵/۵/۴
- شهادت: شلمچه ۱۳۶۵/۱۱/۱۸

خدایا، خودت توفیق توبه به ما عنایت فرما و پیش از مرگ مرا  
هوشیار کن. آمین  
خداوندا، ما را به آنچه برایمان روزی فرموده‌ای خشنود گردان.  
آمین

فرج آقا امام زمان # را نزدیک بفر ما. آمین  
امام‌مان را تا قیام امام زمان # سلامت بدار. آمین



## مهدی شریفی پور

- ولادت: رشت ۱۳۳۷/۱۱/۹
- شهادت: مهران ۱۳۶۵/۴/۱۴

خدایا، تو را قَسَمَت می‌دهم به عصمت پیامبرت، به مناجات علی X، به حلم حسن، به شهدای حسین بن علی X، رزمندگان اسلام که در جبهه های حق علیه باطل می‌جنگند، پیروزی نصیبشان بگردان.

خدایا، تو را به دعا‌های شب رزمندگان قَسَمَت می‌دهم، طول عمر به رهبر کبیر انقلاب عنایت بفرما.



خدایا، گنهکارم؛ به درگاه تو آمده‌ام؛ خدایا عنایتی کن؛ تا ما را نیامرزیدی از این دنیا مبر.

خدایا، هر کس در هر لباسی به جمهوری اسلامی ایران خدمت می‌کند مورد قبول درگاهت قرار بده.

خدایا، دشمنان اسلام و دشمنان این جمهوری که با خون بهترین عزیزان آبیاری شده، اگر قابل ارشاداند، ارشاد و اگر نیستند، ذلیل و خوار بگردان.

خدایا، مکر و حيله منافقین و اربابشان آمریکا را به خودشان بازگردان.

خدایا ریشه صدام و صدامیان را بر کن.

خدایا، فرج بقیه الله الاعظم # را تعجیل بفرما.

خدایا، به ما توفیق بندگی و طاعت عنایت بفرما و مرگ ما را شهادت در راه خودت قرار بده.

خدایا، بارالها، ما را یک لحظه به خودمان وا مگذار.<sup>۱</sup>

۱. «إلهی لا تکلنا إلی أنفسنا طرفه عین ابدأ» فرازی از دعای ابو حمزه ثمالی



## احمد رضا مظلومی

- ولادت: خشکیبجار ۱۳۴۲/۹/۲
- شهادت: صور، لبنان ۱۳۶۶/۳/۶

خدایا، خودت شاهد هستی که در طول سال های متمادی به شیعه ظلم فراوان شده و همه حقوقشان پایمال گشته است؛ چه جنایت ها، قتل ها، غارت ها و کشتارها و...

آیا نشستن بر من جایز است؟! چگونه سکوت کنم؟!  
من علی X را در کنج خانه در حالی که استخوان در گلویش و خار در چشمش گیر کرده بود با چشمان خود می بینم.  
من در حالی که حسین X سرش بر روی نیزه ها و خاندان آن در حالت اسارت به سر می برد و مردم شام هیاهو و شادی می کنند با چشمان خود می نگرم.

من تجاوزات دشمن دون صفت را به حریم مسلمانان در همه نقاط جهان، ایران، افغانستان، لبنان مشاهده می کنم.

اکنون زندگی آن قدر در نظرم پست شده است که به خاطر هستی همه دنیا حاضر نیستم انقلاب، محرومان، مستضعفان، مسلمندان و شیعیان مظلوم را فراموش نمایم.

از مرگ وحشتی ندارم بلکه دست از جان شسته، خود به پیشواز آن آدام و همه هستی خود را خالصانه تقدیم کرده‌ام.

من با ایمان به خدا و پیامبران و رسولان او و اولیاء و امامان - آن شهیدان و مظلومان تاریخ تشیع - و رهروان پاکباخته آن بزرگواران در تاریخ هزار و چند صد ساله سرخ، قدم به این راه گذاشته‌ام.

**خدایا**، قسم به خودت، جلالت و بزرگواریت که هیچ عشقی جز تو مرا به این راه نکشاند است.

**خدایا**، تسلیم تو هستم.

**خدایا**، تو خود به ما گفتی که به فریاد مظلومان و محرومان و بی‌کسان و بی‌پناهان برسید و آنها را از شر ظالمان و ستمکاران نجات دهید.

**خدایا**، ای پروردگاری که در چند ساله عمرم تو را بسیار نافرمانی نمودم؛ من اکنون خدایی شده‌ام، من احساس می‌کنم که صفات تو قلب مرا منور نموده است.

من هم اکنون میل دارم به سوی تو پرواز کنم، پرهام را بگشا، غل و زنجیرها را از من برهان تا بتوانم به سوی تو - ای معبود دل‌بندم پرواز - کنم.

**مولای من**، تا کی می‌توانم در دوری تو صبر کنم؛ فراق تو کمر مرا شکست.

**عزیز دل**، من به عشق نجات‌بندگان راستین تو، شیعیان مظلوم و محروم، هجرت نمودم و به دیاری غریب و آشنا سفر کردم.

ما دل به غم تو بسته داریم ای دوست

درد تو به جان خسته داریم ای دوست

گفتی که به دل شکستگان نزدیکیم

ما نیز دل شکسته داریم ای دوست



## حسن رضوانخواه

- ولادت: لنگرود ۱۳۴۴/۷/۱
- شهادت: حاج عمران ۱۳۶۵/۶/۱۰

آه خدایا، چقدر از چیزهای فریبنده دنیا بیزارم؛ اگر به واسطه گناهایی که مرتکب شدم نبود هیچ خوفی از مرگ نداشتم. اگر اطمینان داشتم که گناهانم را می‌بخشی - که جز این هم نخواهد بود - هر آینه انتظار مرگ را می‌کشیدم؛ مرگی که فقط رضایت و خشنودی تو در آن باشد.

**خدایا،** چطور خواهد بود حال آن جوانی که از جوانی‌اش دست کشید و نفس خود را به اندازه وسع خود زیر پا گذاشته و برای یافتن وجود مبارک تو به بیابان‌ها و جنگل‌ها و کوه‌ها روانه شده و از زن و فرزند و همه چیز خود حتی پدر و مادر خود دست کشیده، به جوار خود نخوانی تا به واسطه گناهایی که مرتکب شده او را در آتش افکنی در حالی که او امید به بخشش تو دارد.

**خدایا،** جوانی که مجسمه‌اش را به تو عاریه داده و در راه تو از هیچ تلاشی دریغ ننموده در عین حال خطاهایی نیز مرتکب شده، حال او چگونه خواهد بود.

**آی خدایا،** چطور در جوار نورانیت بایستد در عین حالی که عرق شرم می‌ریزد و آرزوی برگشتن به دنیا جهت جبران خطاها و گناهان خود می‌کند و خود فرمودی که هیچ راه برگشت نیست.

**خدایا،** بنده‌ات که عمری برای یافتن تو زحمت کشید چگونه خود را به او نمی‌نمایانی! نه هرگز این نیست؛ تو خیلی مهربان‌تر از این کلامی.

**خدایا** مرا ببخش از اینکه شکر نعمت‌های تو را به جا نیاوردم.  
**خدایا** مرا ببخش از اینکه از امانتی چون امام‌قدردانی ننموده و دستوراتش را به وقت اجرا نکردم.



## سید صادق شفیعی

■ ولادت: رودبار ۱۳۳۹/۱۰/۱۲

■ شهادت: جزیره مینو ۱۳۶۵/۶/۱

خدایا، به پریشانی و بد حالی ام رحم کن؛ مرا به حال خود وا مگذار. خدایا، دوست دارم از هر چه در دنیاست دل بکنم و پرده‌های حجاب را که خود با ظلم به نفسم ایجاد کرده‌ام پاره کنم و تو را صدا کنم. خدایا، خیلی گنهکارم؛ اما چه کنم که می‌خواهم مخلص باشم و حداقل اینکه اخلاص را دوست دارم و در سر خیال آن دارم. خدایا، به من حال عبادت عطا کن و مرا غرق در خود کن. خدایا، از تو دنیا را که نخواستم، گفتم به من اخلاص بده تا خود را بشناسم تا بهتر تو را عبادت نمایم. خدایا، تو دوست داری بندگانت را و من هم دوست دارم که زمانی برسد که فقط تو را بندگی کنم.

خدایا، با این بار اندک چگونه از پل صراط رد شوم و اگر فردای قیامت مرا با منافقین و کفار محشور کنی چه خاکی بر سرم بریزم که اگر این کار را هم بکنی خود را مستحق آن می‌دانم.

پروردگارا، آنقدر در پیشگاهت عاجزم که زبان گفتم ندارم و با این نوشتار دلم را خوش کرده‌ام.

خدایا، مدتی است که از خانه و زندگی آواره شده‌ام به این امید که مورد لطفت قرار گیرم.

خدایا، نکند در قیامت به من بگویند که همه این کارها برای نفست بود و هم باطل است، در آن وقت به که بگویم وضعم را؛ به کجا فرار کنم.

خدایا، چه گناهی کرده بودم که اینقدر از بقیه یاران عقب ماندم. با که گوئیم این درد هجران را.

خدایا، کی می‌رسد لحظه وصال؛ خواهش بزرگی است ولی چه کنم که در دلم امید دارم.

خدایا، به اهل بیت تو عشق می‌ورزم؛ حسینت را دوست دارم. از واقعه کربلای حسین X همیشه اندوهناکم.

در دنیا خود شاهدی که چقدر آرزوی زیارت حسین X را داشتیم. اما نمی‌دانم که لیاقت آن را خواهیم داشت یا نه؟!

خدایا، تو بهتر می‌دانی که چقدر از بهترین دوستانم به سویت پر کشیدند؛ عشق به تو همه وجودشان را فراگرفته بود.

خدایا، مرا هم تو خلق کردی؛ من هم آرزو دارم؛ به حق حسینت X مرا بپذیر.

خدایا، اگر قبولم نکنی من ول کن نیستم؛ لحظه‌ای جبهه را ترک نخواهم کرد؛ آن قدر می‌مانم که از رطوبت و نم سنگر [کمرم] خم شود و فریاد درد استخوان‌هایم به آسمان رود؛ باز خواهم ماند.

خدایا، در سخت‌ترین شرایط ماندم تا شاید آمرزیده شوم؛ گرم‌ترین روزها را در سنگر ماندم تا شاید آتش عذاب بر من آسان شود و سردترین روزها را گذراندم تا شاید مجازاتم در قیامت کاهش یابد.

خدایا، باز هم اگر آخرین کسانی باشم که از جهنم خارج شوم راضیم.

راضیم به رضایت ای رب العالمین.

برگی از دستنوشته های شهید محمود نهی قناد

دعای محمود نهی قناد

ایهی شکرته که از اساتید می رنبد رنگ گرفته ام

ایهی خوش آناله مندا با تر دل خوش کرده انه

ایهی شکرته که بنده آرامم

ایهی این کمترین را با قلیل بدار

ایهی مکتب المشرقی سلیمانم داری آمنت سلیمانم ده

ایهی سدهایه کسم داری تو مین کسم ده

اسرار خدای الاین هر می سرود با نیست

هر می سرود با الاین اسرار خدای نیست

بار خدا را، ندای نبرد ستیوم و اوقات تمام تلاش و زاری همتی به بار ششم سینه راست  
 خدا برای روزی که روزگارت جمع شود و شلوغی پشت مغزی هم، ای تو چها بشناخته اشک تو کتا و شکر تو  
 خدا یا مخلصا از دست قوت آورده و شلوغی شراری هم، ای تو چها بشناخته اشک تو کتا و شکر تو  
 خدا یا آقا تو همس و موی داری دنیا به من  
 امیدوارم خداوندگار ما را حفظ نماید و بجزایر و **بجز** مژده ترشین خود مستجاب بدارد. آمین  
 خدا یا دیگر بارها دنیا هسته تمام تلاش و شلوغی از دست و دستبندی بیرون دهم و در اثر این آرزوی خیرم  
 قدرات. **أَشْفِقْنَا عَلَى مَنْ أَشْفَقْنَا** تا بی شکست  
 خدا یا و سرگندست می خیم که از سر و پا می ده و عمر تمام از زبان **الله** بیاید برای، و بیرون دهم برگردان  
 و سیدیمان تجرایی. استغفار. و امید بیرون دهم.

برگی از دستنوشته های شهید محمد نصرالهی





برگی از دستنوشته های شهید حسن پور محمدی



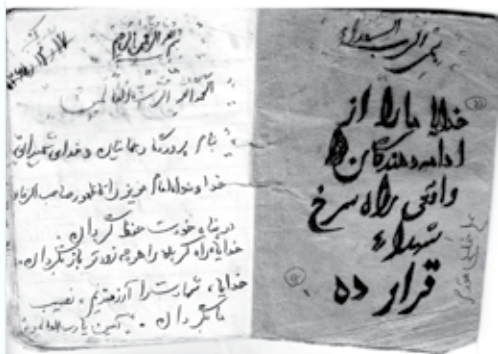
تو در آن شب... خدا بیخود بر فراز صومعه ای...  
 درخشش خورشید با آن روز...  
 همچو کوهها روانه شده...  
 در حمار خرد تقوای پایا...  
 به بنفش قرمز...  
 درین حال خطاهای نیز شرب...  
 خواجه اوستاد...  
 در آن شب...  
 در آن شب...  
 در آن شب...

برگی از دستنوشته های شهید حسن رضوانخواه



برگی از دستنوشته های شهید علی حسین دوست

بسم تعالی  
 خدایا از تو میخوانم اسم الله  
 بر من نگیری و مرا مورد رحمت  
 شفقت و رحمت خویش قرار دهی  
 خدایا با ما بفضل و کرمت  
 رفتار کن نه بعدلت زیرا  
 کسی را طاقت تحمل  
 عدل تو نیست



برگی از دستنوشته های شهید علی خلیلی مقدم

برگی از دستنوشته های شهید قربانعلی سهرابی پور

**نجات نامه**  
 نقوی شریف ترمین عمل است .  
 رسول اکرم ص  
 ناد کمال فسا رو از ارسنهان مکتبهم بیند  
 که ترسید چستو او دست ماو بار با هم و قلب  
 و سیند و سر هم از بی گرفتند اندام بد چیزا  
 از بی نتوانستند نگیرند و آن ایمان و  
 مد فسر است که عشق به الله و عشق  
 و به مطلق جهان باستی و عشق به شهادت

بیدگما ! صبردا . دلدار . کربا . اس حبيب است . اول دل مشرفه باش . او با  
 کمال است . او در دل ما است . او که در کتب لطیف پرورش حیات به جسمی تو بر حاسته . تو بدین  
 و چشم که در کتب مشرفه است . بدین دل . او کل الکمال نال شده . چشم هم درین از تو صفت نکند  
 و کلام این یاد تو بر سر خیزد و به شیر تر بود یاد دند .

الهی که در کتب مشرفه است	چه قیمت است که اوله چونکه شهادت
ظلم طاعت در جملین	فطرتا ملا تفت فطرت
زها و صل حرف بیاندازد	دل دراز من یک نام ده
دانشم به آتش شهادت	کرامت کسین در کتب شهادت
که هر کسند شد حال من	اگر شایسته بود اول من . دل من
چرا آمد در تر منده غلام	تم میکنم تو . بگذرد از من

برگی از دستنوشته های شهید سید حبیب الله شفیعی



- برگی از دستنوشته های شهید فرهاد لاهوتی

حاجت وادی \*

خدا را در حق نشود که رحمت است از گناهان نباید فرستاد  
 در باغ غیب کنی ، در صورتی که اعمال او را در کتاب غیب در مقابل محبت  
 تو بسیار بجای استی ای ایستد .  
 ای صاحب آرزو منی حساب ، به مقام عزت و بزرگیت  
 ای ستمی که اگر ترا از دست بران ، تو که از این در بای نمی دم  
 و در دست از انجاس و قشرع برودم و دیگر که تو را به عقل درام  
 کامل شناختم ، ای ایام - تو که در راه خواهی و طالبی کنی  
 و تو که در بخواهی ، هر قدر بخواهی تو ختم کنی .

\*  
 ای خدا و فضل و کرمیت با تو روز نیست که مرا اعلی  
 و کردی مناسبت کنی ، ای سبوح ، ای آملی من ، ای

۱۸/۹۱

در مینامد خدایم در پیش تو صب که و بتانم زنده و عالم تا بهدی که بقیانم که خدا  
 و در منی نیتت و در منی و در او تا ، غریب منم شکوه شدی و تا و غریب منم بود  
 خدایم غیبی که ما را خدا شده چه کنی که

و در منی بتانم که در (تو که از کتاب دریا) که منسب به او مددا  
 خدایم و بعد قبول و مقبول نه

خدا خدایم در منی منم در (معاذ الله) تو در منی و در منی  
 ما بتانم و در منی منم در (معاذ الله) تو در منی و در منی

- برگی از دستنوشته های شهید غلامحسین آقایی نژاد

برگی از دستنوشته های شهید سید محمود فرمانبر

دشمن حقّ یک لحظه مرا مغفل دست  
 ننماید. و باز دانی بمن بده که دشمن نتواند  
 در مقابل حلاوت استادی منماید. خدایا  
 در تلب و ستم، دلیل ترس و کذب و حسرت  
 بی‌باز نماند در مقابل هجوم نیروها زنده اسلام  
 زو آنجا نبرد. خدایا دهره ای بدشمن بده

#### بسمه تعالی

پروردگارا: یا دارمحق بگرد لشکر کن تا بعد از سپیدار که هر یک بنده این دارمحقانند  
 خدا را سپاس گویند.

پروردگارا: ما را تا با شیطان محشر فرما. و این انتظار بران ما سپاس که در راه و رفاه  
 تو سپاسیم.

پروردگارا: حقها را جان را تا خدایا گیر. و منرا شریفین مکتوب را به ما میباشان.

پروردگارا: یا دارمحق بشنیم و انانیه و تکریم از تو که کجا میباشان.

پروردگارا: میباشان خود را تکریم کنی در آن صورتها تا انکه شکست منتهی در شریکت  
 پروردگارا: زمین عصر بران من است که گفتار من را شکست گیر.

پروردگارا: این بدو چشم بران من است که گفتار من را شکست شناسی.

پروردگارا: هر که میباشان تا شکست دفعه جزان حلیه من را دوست کنی.

پروردگارا: شرفمند او که شکست نظر از تو تا به هر دو نصیب شد تا تو را  
 پروردگارا: شرفمند از تمام اعضا که شکست را فرما کنی.

پروردگارا: اگر که شده خود فتوح بکنیم بر تو تو را میباشان.

پروردگارا: شرفمند از تو که هر چه در راه تو هر چه کنی بشنوی من و تو.

پروردگارا: تو خود من تا از تو که هر چه من بران را از تو بران  
 پروردگارا: شرفمند از تو که هر چه من و تو را از تو بران و تو را

*(Handwritten signature)*

برگی از دستنوشته های شهید سید رحمت حسینی